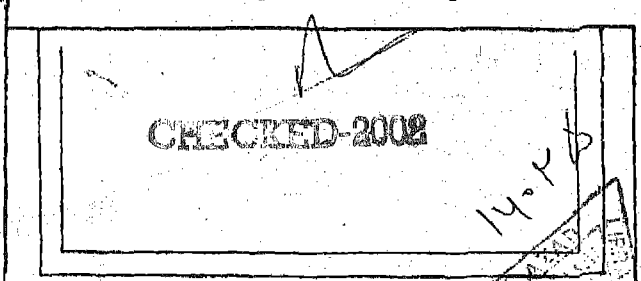


نام این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب
نام این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب



بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب الایمان

حمود و ستایش مرخداي رست که بذات مقدس خود موجود است
و اشیا بایجاد او تعالی موجود اند و در وجود و بقا بوی محتاج اند
و وی هیچ چیز محتاج نیست یگانه است هم در ذات و هم در صفات
و هم در افعال تحسین او هیچ امر بوی شکر نیست و وجود و حیات
او بجهنم وجود و حیات اشیاست و نه علم او مشاب علم شان و نه
سمع و بصیر او اراده و قدرت کلام او با سمع و بصیر او اراده و قدرت
و کلام مخلوقات محال مشارکت اختیار مشارکت اسمی هیچ محالست

این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب
نام این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب

این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب
نام این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب

این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب
نام این کتاب را باید بداند
است و در این کتاب
معنی این است که این کتاب

و مشارکت ندارد و صفات و افعال او تعالی هم در زنگنه ات
او سبحانه بی چون و بی چگونه است مثلاً صفة العلم مر او را سبحانه
صفتی است قدیم و انکشافی است بسیط که معلومات ازل و ابد
با احوال متناسب متضاده کلیه و جزئی با اوقات مخصوصه هر کدام
در آن واحد دانسته است که زید در فلان وقت زنده است
و در فلان وقت مرده و هکذا و همچنین کلام او یک کلام بسیط است
که تمام کتب تنزیله تفصیل او است و خلق و تکوین صفتی است
مختص بوی تعالی ممکن چه باشد که ممکن را پیدای می تواند کرد
ممکنات بتامها چه جوهر و چه عرض و چه افعال اختیار یه بندگان
همه مخلوق او تعالی اند اسباب و وسائط را و پوش فعل خود
ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه عقلا
حرکت جمادات بجرک پی می بینند و میدانند که این حرکت فراخ
حال این جماد نیست این را قاعلی است رای او همچنین آن



فصل دوم در بیان سبب و نتیجه و احوال

استغفار است ۱۲ بار

کام نینان سائنسہ کے بننے

نظارت علی فسادات و در نظافتی میماند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

[illegible]

عذاب دوزخ از مار و کژدم و زنجیر با و طوقها و آتش و آب گرم
 و زقوم و غسلین که پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرموده و قرآن
 بد آن ناطق است و انواع نعیم جنت از ماکل و مشارب
 و حور و قصور و غیره همه حق است و عمره ترین نعمتای شبست
 دیدار خدا است که مسلمانان حق تعالی را در بهشت بی پرده
 به بیند بی جهت و بی کیف و بی مثال و ایمان عبارت
 است از تصدیق قلبی با گروهین و تصدیق زبانی بسیکن
 تصدیق با عند الضرورة ساقط شود و اصحاب رسول الله
 صلی الله علیه و سلم همه عادل بودند اگر از کسی احیاناً ارتکاب
 محصیتی شده تا لب مغفور گشته متواترات از نصوص قرآن
 و حدیث صحابه پرست در قرآن است که آنها با محبت و
 رحمت داشتند و بر کفار غلاظ و شداد بودند هر که صحابه را با هم
 بغض و بی اگفت و اند منکر قرآن است هر که با آنها دشمنی و خصمت
 قال الله تعالی و الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات

داشته باشد در قرآن بروی اطلاق کفر آمده حاملان وحی
و راویان قرآن اند هر که منکر صحابه باشد او را ایمان بقرآن
و غیره ایمانیات متواترات ممکن نیست و باجماع صحابه و
نصوص ثابت است که ابو بکر افضل اصحاب است پیغمبر
همه اصحاب ابو بکر را افضل دانسته با وی بیعت کردند و بشاه
ابی بکر برخلافت عمر بعد ابی بکر بنابر فضل او اجماع آوردند و
بعد عمر نیز سه روز صحابه با هم مشوره کرده عثمان را افضل دانسته
بر خلافت او اجماع کردند و با وی بیعت نمودند و بعد
عثمان همه اصحاب مهاجرین و انصار که در مدینه بودند علی
رضی بیعت کردند کشتی که با علی رضی منازعت کرده
مخلی است لیکن سوزن با صحابه نباید کرد و مشاجرات
آنها را بر محل نیک فرود باید آورد و با هر یک محبت و
عقیدت باید داشت این است عقائد اهل حق

[illegible]

نہایت دلچسپ اور دلکش کہانیوں پر مشتمل ہے۔

عیسیٰ بن مریم علیه السلام
 علی بن ابی طالب علیه السلام
 محمد بن عبد الله علیه السلام
 و آله و صحبه اجمعین
 آمین

باز است و اداس آن

بفرمان و اجابت و من و

از کلبان و بجهت و قلبه باشد

ایمانی باشد و ترک نماز و غیره

است و در نه دخیل و غیره

علیه الرحمه و مطابق است

باعتبار حدیث شریف که در

نکته مذکور است و این در بعضی

روایت کرده اند که هر که بر نماز فرض محافظت کند او را
 نور و حجت و نجات باشد روز قیامت و هر که محافظت
 نکند نه او را نور باشد و نه برهان و نه نجات و باشد و ما فرعون
 و هامان و قارون و ابلی بن خلف و ترمذی از عهد انبیا
 بن شقیق روایت کرده که اصحاب رسول الله صلی الله
 علیه و سلم هیچ چیز را نمی دانستند که ترک آن موجب کفر
 باشد مگر نماز را تنها برین احادیث احمد بن حنبل رح
 تارک یک نماز را عموماً کافر میدانند و شافعی رح بروی حکم
 بقتل میکنند بکفر و نزد امام اعظم و ائمه و اهل و احب است
 تا که توبه کند و الله اعلم لیس باید دانست که نماز را شرط و
 ارکان است چنانچه ذکر کرده شود انشاء الله تعالی از شرط و
 نماز طهارت بدن است از نجاست حقیقی و نجاست حکمی و طهارت
 پاچه و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت باید آموخت

در بعضی است و باشد و فرعون

در نه مذکور در بعضی کتابان است

که کار و عینان پیدا

تقریب است از حضرت علی علیه السلام

از این است خود را از حدیث و انبیا

که از این است و این موجب شرف

نهی کار و انکسار و این است که

موت و طهارت باشد و از تحقیق آن

و موجب و غرض و غرض باشد

و این است که در نظر باشد

و این است که در نظر باشد

و این است که در نظر باشد

و این است که در نظر باشد

کتاب الطهارة

فصل در وضوء بدانکه فرض در وضوء چهار چیز است
 ۱. رو از موی سترایدن و قرن و تابعد و گوش و سر و دست با
 ۲. سر و آسج و سبج چهارم حصه سر و شستن هر دو پای با هر دو
 ۳. شستن انگشت و اگر ریش گنجائش باشد رسانیدن آب زیر موی
 ریش ضروری نیست اگر ازین چهار عضو مقداری ناخن هم
 خشک مانده وضوء درست نباشد و نزد امام شافعی و احمد در
 مالک نیت و ترتیب هم فرض است و نزد مالک پی بپنی
 شستن هم فرض است و نزد احمد بسبب گفتن بکتاب دهن
 و بینی کردن هم فرض است و نزد مالک در واحد مسح تمام
 فرض است پس احتیاط در آنست که این همه بجا آورده شود
مسئله سنت در وضوء آنست که اول هر دو دست
 تا بند دست سه بار بشوید و بسم الله الرحمن الرحیم گوید

در وضوء چهار چیز است رو از موی سترایدن و قرن و تابعد و گوش و سر و دست با
 سر و آسج و سبج چهارم حصه سر و شستن هر دو پای با هر دو
 شستن انگشت و اگر ریش گنجائش باشد رسانیدن آب زیر موی ریش ضروری نیست
 اگر ازین چهار عضو مقداری ناخن هم خشک مانده وضوء درست نباشد
 و نزد امام شافعی و احمد در مالک نیت و ترتیب هم فرض است
 و نزد مالک پی بپنی شستن هم فرض است و نزد احمد بسبب گفتن بکتاب دهن
 و بینی کردن هم فرض است و نزد مالک در واحد مسح تمام فرض است
 پس احتیاط در آنست که این همه بجا آورده شود
مسئله سنت در وضوء آنست که اول هر دو دست تا بند دست سه بار بشوید
 و بسم الله الرحمن الرحیم گوید

در وضوء چهار چیز است رو از موی سترایدن و قرن و تابعد و گوش و سر و دست با
 سر و آسج و سبج چهارم حصه سر و شستن هر دو پای با هر دو
 شستن انگشت و اگر ریش گنجائش باشد رسانیدن آب زیر موی ریش ضروری نیست
 اگر ازین چهار عضو مقداری ناخن هم خشک مانده وضوء درست نباشد
 و نزد امام شافعی و احمد در مالک نیت و ترتیب هم فرض است
 و نزد مالک پی بپنی شستن هم فرض است و نزد احمد بسبب گفتن بکتاب دهن
 و بینی کردن هم فرض است و نزد مالک در واحد مسح تمام فرض است
 پس احتیاط در آنست که این همه بجا آورده شود
مسئله سنت در وضوء آنست که اول هر دو دست تا بند دست سه بار بشوید
 و بسم الله الرحمن الرحیم گوید

در وضوء چهار چیز است رو از موی سترایدن و قرن و تابعد و گوش و سر و دست با
 سر و آسج و سبج چهارم حصه سر و شستن هر دو پای با هر دو
 شستن انگشت و اگر ریش گنجائش باشد رسانیدن آب زیر موی ریش ضروری نیست
 اگر ازین چهار عضو مقداری ناخن هم خشک مانده وضوء درست نباشد
 و نزد امام شافعی و احمد در مالک نیت و ترتیب هم فرض است
 و نزد مالک پی بپنی شستن هم فرض است و نزد احمد بسبب گفتن بکتاب دهن
 و بینی کردن هم فرض است و نزد مالک در واحد مسح تمام فرض است
 پس احتیاط در آنست که این همه بجا آورده شود
مسئله سنت در وضوء آنست که اول هر دو دست تا بند دست سه بار بشوید
 و بسم الله الرحمن الرحیم گوید

[illegible]

و اعاده تمام وضو ضرور نیست مگر نزد اهل کج و فرض بر مسح
موزه مقداره سه انگشت است بر پشت پا و پشت است
که هر پنج انگشت و پشت از سر انگشتان پا تا ساق کشید
و این نزد احمد در فرض است و احتیاط و نیست بعد تمامه وضو

[The page contains dense handwritten Persian script in several columns.]

یا نفاس یافته شود حیض و نفاس مست مکمل
از حیض و نفاس نماز ساقط شود و قضای آن واجب نیست
و روزه را حیض و نفاس مانع است لیکن قضا واجب شود
و جماع در حیض و نفاس حرام است نه در استحاضه و حیض اگر پیش از زده
و از قطع شود بدن غسل کردن و نوحی حلال نشود مگر آنکه وقت جاری
بگذرد و در طهر غسل بکند و زدن بدن غسل هم طهری است و امام عظیم و زود
اکثر آنکه بدن غسل واجب نیست **مسئله** بی ضرر را پوست نیدن
مبصفت بی پرده جائز نیست خواندن قرآن جائز نیست در حالت
پنجاب و حیض و نفاس خواندن قرآن هم جائز نیست نه در آن مسجد
و نه طهرات و فصل در نجاسات بول جانوری که گوشت آن

که حالت بنیادی است مجموع در راه اخلاقی که در این کتاب
نیز آمده است و در راه اخلاقی که در این کتاب

[illegible]

حلال است و بول اسب و پس افکنده پرنندگان حرام گوشت
نجس است نجاست خفیفه کمتر از ربع پاره چه عفوست
یعنی از چهارم حصه تخم یا دامن یا تریز یا آستین اگر کمتر
از آن بیالاید غار را مانع نباشد لیکن آب را فاسد کند
و پس افکنده پرنندگان حلال گوشت سوامی ماکیان و
بط پاک است و بکول آدمی اگر چه صغیر باشد و بول خرو
جانوران حرام گوشت و پس افکنده آدمیان و چهارپایگان
نجس است نجاست غلیظه و همچنین خون سائل هر جانور و شرب
انگور می منی مسکه در نجاست غلیظه مقدار در نیم یعنی مساحت
عرض کف در رقیق و مقدار چهار و نیم باشد و غلیظه عفوست
لیکن آب را فاسد کند مسکه و پس خورده آدمی اگر چه کافر
باشد و اسب و جانوران حلال گوشت و عرق آنها و عرق خر
و استر پاک است و پس خورده گربه و موش و دیگر جانوران

از آن نزد امام عظمی که جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی غیره جائز
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود
 پاره چه پاک گردد و شمشیر و مانند آن از مسح کردن پاک نشود
 و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای
 نماز پاک شود نه برای تمیم و همچنین دیوار و خشک مفرش و
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری
 که عین او زایل شود نزد امام عظمی پاک شود
 و نزد بعضی بعد از مال عین سه بار باید شست و
 هر بار اگر ممکن باشد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا پاک
 نقاط نماند و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار
 یا هفت بار باید شست و هر بار باید افشرد و اگر
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

از آن نزد امام عظمی که جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی غیره جائز
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود
 پاره چه پاک گردد و شمشیر و مانند آن از مسح کردن پاک نشود
 و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای
 نماز پاک شود نه برای تمیم و همچنین دیوار و خشک مفرش و
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری
 که عین او زایل شود نزد امام عظمی پاک شود
 و نزد بعضی بعد از مال عین سه بار باید شست و
 هر بار اگر ممکن باشد باشد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا پاک
 نقاط نماند و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار
 یا هفت بار باید شست و هر بار باید افشرد و اگر
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

در این کتاب که در باب اول از کلیات و اصول است
و در باب دوم از احوال و سیرت است
و در باب سوم از احکام و قوانین است
و در باب چهارم از اخلاق و فضیلت است
و در باب پنجم از توحید و نبوت است
و در باب ششم از معاد و جزا و نجات است

و تا آخر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در
 روشنی روز خواندن صبح سجد یکم بقراست
 سنون نماز ادا کنند و اگر فساد ظاهر شود
 باز بقراست سنون ادا کنند مستحب است و در
 دیگر نمازها نزد فقیر تعمیل اولی است مگر برای
 انتظار جماعت و در وقت طلوع آفتاب و میانه
 روز و وقت غروب سوای عصر آن روز دیگر هیچ نماز
 جائز نیست و نه سجد تلاوت و نه نماز جنازه و در وقت
 فجر سوای سنت فجر و بعد عصر پیش از ردی آفتاب
 و پیش از مغرب نفل مکروه است و قضا جائز است
فصل اذان و اقامت برای ادا و قضا سنون است
 و صفت آن معروف است و مسافر ترک اذان مکروه
 است و هر که در خانه نماز گزارد اذان مصرور کافی است

و تا آخر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در
 روشنی روز خواندن صبح سجد یکم بقراست
 سنون نماز ادا کنند و اگر فساد ظاهر شود
 باز بقراست سنون ادا کنند مستحب است و در
 دیگر نمازها نزد فقیر تعمیل اولی است مگر برای
 انتظار جماعت و در وقت طلوع آفتاب و میانه
 روز و وقت غروب سوای عصر آن روز دیگر هیچ نماز
 جائز نیست و نه سجد تلاوت و نه نماز جنازه و در وقت
 فجر سوای سنت فجر و بعد عصر پیش از ردی آفتاب
 و پیش از مغرب نفل مکروه است و قضا جائز است
فصل اذان و اقامت برای ادا و قضا سنون است
 و صفت آن معروف است و مسافر ترک اذان مکروه
 است و هر که در خانه نماز گزارد اذان مصرور کافی است

و تا آخر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در
 روشنی روز خواندن صبح سجد یکم بقراست
 سنون نماز ادا کنند و اگر فساد ظاهر شود
 باز بقراست سنون ادا کنند مستحب است و در
 دیگر نمازها نزد فقیر تعمیل اولی است مگر برای
 انتظار جماعت و در وقت طلوع آفتاب و میانه
 روز و وقت غروب سوای عصر آن روز دیگر هیچ نماز
 جائز نیست و نه سجد تلاوت و نه نماز جنازه و در وقت
 فجر سوای سنت فجر و بعد عصر پیش از ردی آفتاب
 و پیش از مغرب نفل مکروه است و قضا جائز است
فصل اذان و اقامت برای ادا و قضا سنون است
 و صفت آن معروف است و مسافر ترک اذان مکروه
 است و هر که در خانه نماز گزارد اذان مصرور کافی است

و تا آخر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در
 روشنی روز خواندن صبح سجد یکم بقراست
 سنون نماز ادا کنند و اگر فساد ظاهر شود
 باز بقراست سنون ادا کنند مستحب است و در
 دیگر نمازها نزد فقیر تعمیل اولی است مگر برای
 انتظار جماعت و در وقت طلوع آفتاب و میانه
 روز و وقت غروب سوای عصر آن روز دیگر هیچ نماز
 جائز نیست و نه سجد تلاوت و نه نماز جنازه و در وقت
 فجر سوای سنت فجر و بعد عصر پیش از ردی آفتاب
 و پیش از مغرب نفل مکروه است و قضا جائز است
فصل اذان و اقامت برای ادا و قضا سنون است
 و صفت آن معروف است و مسافر ترک اذان مکروه
 است و هر که در خانه نماز گزارد اذان مصرور کافی است

۲۴
 ای طهارت مکان
 و موضع و جهت و غیره
 و در وقت نماز
 و در وقت وضو
 و در وقت غسل
 و در وقت روزه
 و در وقت حج
 و در وقت عمره
 و در وقت سایر اعمال

فصل در شروط نماز شرط طهارت بدن

مصلی است از انجاست حقیقی و حکمی چنانچه بالا
 گذشت و طهارت پارچه و طهارت مکان و استقبال
 قبله و ستر عورت مرد و از زنا و تا زنا و زانی و محض کنیز
 اگرچه در خلوت باشد ۱۲ در مختار نماز ستر خارج است و زانو داخل است
 را باز یادست شکم و پشت و زن حره را است تمام
 بدن مگر روده و هر دو کف دست و هر دو قدم
 مگر هر عضو از اعضای عورت مرد یا زن
 اگر چهارم حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مویهای
 سر زن که فرو هشته باشند عضو نیست علیحده اگر چهارم
 حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسئله در نوازل
 گفته که آواز زن هم عورت است این همان گفته که برین
 تقدیر اگر زن قرائت بجهر خواند نمازش فاسد شود
 مسئله پنجم که پارچه برای ستر عورت نباشد نماز او برهنه جایز است

۳۵

است و در وقت وضو
 و در وقت غسل
 و در وقت روزه
 و در وقت حج
 و در وقت عمره
 و در وقت سایر اعمال
 و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال
 و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال

و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال
 و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال
 و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال
 و در وقت نماز
 و در وقت سایر اعمال

استقبال قبله وقت نماز و نیت و دو رکعت و قعدۀ
 اخیرہ در فجر و چار رکعت و قعدۀ اخیرہ در ظہر و عصر
 و عشا و شبہ رکعت و قعدۀ اخیرہ در مغرب و وتر
 و دو رکعت و قعدۀ اخیرہ در نفل و خروج از نماز بفعل
 مصلی ہم فرض است نزد امام عظیم و فرض در
 ہر رکعت قیام و رکوع و سجودست باتفاق علماء و قرات
 نزد شافعی رحمہ و احمد رحمہ و ہر رکعت از رکعات فرض و نفل
 فرض است و نزد امام اعظم رحمہ قرات در دو رکعت از
 رکعات فرائض ثمنہ فرض است و در ہر سہ رکعت
 و تر و در ہر رکعت نفل و قنوت و مجلسہ و قنوت و قنوت و قنوت
 ارکان فرض است نزد ابی یوسف رحمہ و نزد اکثر علماء
 فرض نیست و فرض در قرات نزد امام عظیم یک آیت است
 و نزد ابی یوسف رحمہ و محمد رحمہ آیت شہ و برابر سورہ کوثر

۳۷

در وقت نماز و نیت و دو رکعت و قعدۀ
 اخیرہ در فجر و چار رکعت و قعدۀ اخیرہ در ظہر و عصر
 و عشا و شبہ رکعت و قعدۀ اخیرہ در مغرب و وتر
 و دو رکعت و قعدۀ اخیرہ در نفل و خروج از نماز بفعل
 مصلی ہم فرض است نزد امام عظیم و فرض در
 ہر رکعت قیام و رکوع و سجودست باتفاق علماء و قرات
 نزد شافعی رحمہ و احمد رحمہ و ہر رکعت از رکعات فرض و نفل
 فرض است و نزد امام اعظم رحمہ قرات در دو رکعت از
 رکعات فرائض ثمنہ فرض است و در ہر سہ رکعت
 و تر و در ہر رکعت نفل و قنوت و مجلسہ و قنوت و قنوت و قنوت
 ارکان فرض است نزد ابی یوسف رحمہ و نزد اکثر علماء
 فرض نیست و فرض در قرات نزد امام عظیم یک آیت است
 و نزد ابی یوسف رحمہ و محمد رحمہ آیت شہ و برابر سورہ کوثر

در سجده سوره و واجب است ششم قعدۀ اولی نهم تشهد خواندن در این وقت

و بروی سجده سهو واجب است ششم قعدۀ اولی نهم تشهد
 خواندن در آن و هفتم پی پی ارکان گزاردن پس
 اگر رکوع مکرر کرد یا سه سجده کرد یا بعد تشهد اولی درود
 خواند و در قیام برکت ثانیه دیر شد سجده سهو لازم آید
 یا زدهم تشهد خواندن در قعدۀ اخیره دو از دهم قرات بحم
 خواندن امام را در دو رکعت فجر و مغرب عشا و جمعه عیدین
 و خفیه خواندن در ظهر و عصر و ثانی فل روز سینه دهم خروج
 از نماز بلفظ سلام چهار دهم قنوت و تر یا زدهم تکبیرات
 عیدین نزد امام اعظم فرض از واجب جداست از
 ترک فرض نماز باطل شود و از ترک واجب سهو سجده
 سهو واجب شود پس اگر سجده سهو کرد نماز درست شد
 و اگر سجده سهو نکرد یا واجب عمد ترک کرد واجب است
 که نماز را عاده کند دیگر آنکه در فرض و واجب فرق نکنند

در سجده سوره واجب است ششم قعدۀ اولی نهم تشهد خواندن در این وقت
 اگر رکوع مکرر کرد یا سه سجده کرد یا بعد تشهد اولی درود
 خواند و در قیام برکت ثانیه دیر شد سجده سهو لازم آید
 یا زدهم تشهد خواندن در قعدۀ اخیره دو از دهم قرات بحم
 خواندن امام را در دو رکعت فجر و مغرب عشا و جمعه عیدین
 و خفیه خواندن در ظهر و عصر و ثانی فل روز سینه دهم خروج
 از نماز بلفظ سلام چهار دهم قنوت و تر یا زدهم تکبیرات
 عیدین نزد امام اعظم فرض از واجب جداست از
 ترک فرض نماز باطل شود و از ترک واجب سهو سجده
 سهو واجب شود پس اگر سجده سهو کرد نماز درست شد
 و اگر سجده سهو نکرد یا واجب عمد ترک کرد واجب است
 که نماز را عاده کند دیگر آنکه در فرض و واجب فرق نکنند

عیدین نزد امام اعظم فرض از واجب جداست از ترک فرض نماز باطل شود و از ترک واجب سهو سجده سهو واجب شود پس اگر سجده سهو کرد نماز درست شد و اگر سجده سهو نکرد یا واجب عمد ترک کرد واجب است که نماز را عاده کند دیگر آنکه در فرض و واجب فرق نکنند

[illegible]

و اگر مقتدی از امام مقدم شود نمازش حلال شود این ماجه از
 انش روایت کرده که رسول فرمود علیه السلام که نماز مرد و خا
 خود ثواب یک نماز دارد و نماز او در مسجد جمعه ثواب پانصد نماز
 و نماز او در مسجد اقصی ثواب هزار نماز و نماز او در مسجدین
 یعنی مسجد مدینه ثواب پنجاه هزار نماز و نماز او در مسجد حرام
 ثواب صد هزار نماز **فصل** طریق خواندن نماز بر وجه
 سنت است که اذان گفته شود و اقامت و نزدی علی
 الصلوة امام بخیزد و نزد قد قاست تکبیر گوید و
 نیت کند و هر دو دست تا زمره گوش بردارد و مقتدی
 بعد تکبیر امام تکبیر گوید و دست راست بر دست چپ
 زیر ناف بندد نزد ابی حنیفه وزن هر دو دست او ش

نمازش مکروه باشد و نزد امام احمد نمازش جائز نباشد
 اگر مقتدی از امام مقدم شود نمازش حلال شود این ماجه از
 انش روایت کرده که رسول فرمود علیه السلام که نماز مرد و خا
 خود ثواب یک نماز دارد و نماز او در مسجد جمعه ثواب پانصد نماز
 و نماز او در مسجد اقصی ثواب هزار نماز و نماز او در مسجدین
 یعنی مسجد مدینه ثواب پنجاه هزار نماز و نماز او در مسجد حرام
 ثواب صد هزار نماز **فصل** طریق خواندن نماز بر وجه
 سنت است که اذان گفته شود و اقامت و نزدی علی
 الصلوة امام بخیزد و نزد قد قاست تکبیر گوید و
 نیت کند و هر دو دست تا زمره گوش بردارد و مقتدی
 بعد تکبیر امام تکبیر گوید و دست راست بر دست چپ
 زیر ناف بندد نزد ابی حنیفه وزن هر دو دست او ش

و اگر مقتدی از امام مقدم شود نمازش حلال شود این ماجه از
 انش روایت کرده که رسول فرمود علیه السلام که نماز مرد و خا
 خود ثواب یک نماز دارد و نماز او در مسجد جمعه ثواب پانصد نماز
 و نماز او در مسجد اقصی ثواب هزار نماز و نماز او در مسجدین
 یعنی مسجد مدینه ثواب پنجاه هزار نماز و نماز او در مسجد حرام
 ثواب صد هزار نماز **فصل** طریق خواندن نماز بر وجه
 سنت است که اذان گفته شود و اقامت و نزدی علی
 الصلوة امام بخیزد و نزد قد قاست تکبیر گوید و
 نیت کند و هر دو دست تا زمره گوش بردارد و مقتدی
 بعد تکبیر امام تکبیر گوید و دست راست بر دست چپ
 زیر ناف بندد نزد ابی حنیفه وزن هر دو دست او ش

و در خواست بهشت مسنون است چون از قرات فارغ
 شود تکبیر گویند بر کوع رود و وقت رفتن بر کوع و
 سر برداشتن از آن رفع یدین نزد امام عظم هنت
 نیست لیکن اکثر فقها و محدثین اثبات آن می کنند
 و در رکوع هر دو زانو را بهر دو دست محکم بگیرد و گنجانان
 را کشاده دارد و سر و پشت را با سهوین برابر کند
 و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب
 آن در رکوع درنگ کند و *وَسُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ*
 می گفت باشد و رعایت و ترکند و آدمی مسنون
 سه بارست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود
 و تقدیم مقتدی از امام در ارکان حرامست پستر امام
 سر بردارد و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن
 نزد امام عظم رح امام *سَمِعَ اللَّهُ مِنْكُمْ* گوید و مقتدی

در رکوع هر دو زانو را بهر دو دست محکم بگیرد و گنجانان را کشاده دارد و سر و پشت را با سهوین برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع درنگ کند و *وَسُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ* می گفت باشد و رعایت و ترکند و آدمی مسنون سه بارست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود و تقدیم مقتدی از امام در ارکان حرامست پستر امام سر بردارد و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن نزد امام عظم رح امام *سَمِعَ اللَّهُ مِنْكُمْ* گوید و مقتدی

در رکوع هر دو زانو را بهر دو دست محکم بگیرد و گنجانان را کشاده دارد و سر و پشت را با سهوین برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع درنگ کند و *وَسُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ* می گفت باشد و رعایت و ترکند و آدمی مسنون سه بارست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود و تقدیم مقتدی از امام در ارکان حرامست پستر امام سر بردارد و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن نزد امام عظم رح امام *سَمِعَ اللَّهُ مِنْكُمْ* گوید و مقتدی

در رکوع هر دو زانو را بهر دو دست محکم بگیرد و گنجانان را کشاده دارد و سر و پشت را با سهوین برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع درنگ کند و *وَسُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ* می گفت باشد و رعایت و ترکند و آدمی مسنون سه بارست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود و تقدیم مقتدی از امام در ارکان حرامست پستر امام سر بردارد و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن نزد امام عظم رح امام *سَمِعَ اللَّهُ مِنْكُمْ* گوید و مقتدی

در رکوع هر دو زانو را بهر دو دست محکم بگیرد و گنجانان را کشاده دارد و سر و پشت را با سهوین برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع درنگ کند و *وَسُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ* می گفت باشد و رعایت و ترکند و آدمی مسنون سه بارست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود و تقدیم مقتدی از امام در ارکان حرامست پستر امام سر بردارد و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن نزد امام عظم رح امام *سَمِعَ اللَّهُ مِنْكُمْ* گوید و مقتدی

ز انوها بر دایسته استاده شود و رکعت شانیه مثل اولی
خواند بدوون ثنا و تعوذ و چون رکعت دوم تمام کند
پای چپ را بگیرند و بران بنشینند و پای راست را
استاده دارد و انگشتان هر دو پای را متوجه قبله
دارد و هر دو دست را بر هر دوران دارد و دو انگشت
خنصر و تبصر از دست راست عقد کند و وسطی
و ابهام را حاکم کند و انگشت شهادت را
کشاده دارد و تشهد بخواند و وقت شهادت
اشارت کند این اشارت از ائمه اربعه مروی است
لیکن مشهور مذهب امام عظیم آن است که اشارت
نکند و انگشتان هر دو دست متوجه قبله دارد و در
قعه اولی بر تشهد زیاده نکند بعد از آن تکبیر گویند
رکعت سوم بر خیزد و رفع یدین درین وقت نزد

[illegible]

و قوم و ملائکه را و باید که نماز بحضور و خشوع گذارد و نظر بسجده گاه
دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله سی و سه بار
و الحمد لله سی و سه بار و اسد الکرسی و چهار بار و کلمه توحید
یکبار خواهد **فصل** اگر در نماز حدث لاحق شود و وضو کند و بر همان
نماز بجا کند و اگر منفرد باشد و از سر نو نماز خواندن ^{بلا احتیاج} **فصل**
است و اگر امام باشد خلیفه گیرد و وضو کند و در آن محل
مقتدیان شود و مقتدی وضو کرده باز آید بمکانی که
از آنجا رفته بود و درین عرصه آنچه امام خوانده است
اول آنرا بدون قرائت ادا کند و با امام شریک
شود و اگر امام از نماز فارغ شده است مقتدی مختار
است اگر خواهد بمکان اول باز آید و اگر خواهد جائیکه
وضو کرده همانجا نماز تمام کند و اگر عمداً حدث کند نماز فاسد
شود و اگر در نماز مجنون شد یا اختلام کرد یا قهقهه کرد

[illegible][illegible]

(Handwritten note at the bottom of the page)

سلسل الیول و مانند آن را عذر دور شد یا جمیع زخم از هم
شدن زخم بر خیت و رین صورتها بجهت فرض بودن
خروج بقصل مصلی نماز نزد امام اعظم رح باطل شد و نزد
صاحبین رح باطل نشد **مسئله** اگر امام را حدث شد
و مسبوق را خلیفه گرفت مسبوق نماز امام را تمام کند
پستر خلیفه کند **مد رک** را تا سلام دهد با قوم و آن مسبوق
استاده شود و نماز خود تمام کند **مسئله** اگر در رکوع یا سجود
حدث لاحق شود چون بن کند آن رکوع و سجود را
اعاده کند و اگر در رکوع و سجود یاد آمد که یک سجده از
رکعت اولی فوت شده بود یا سجده تلاوت فوت
شده بود آن سجده را قضا کند و اعاده این سجده مستحب
است واجب نیست و اگر امام را حدث شد و وقتی
یک مرتبه همان مرد بلا تعین خلیفه میشود و اگر وقتی

است که در این
کتاب که به نام
آواز و بیان
باشد پس این
عالمی را که
بجانب و
توقف
نویس او
موراجع
است

و اگر اینها از دوست
موتور است آن را
چال عظیمه در اول
را با عظیمه در اول
رسانیده که
خلفه نه تا دو
و هر دو باقی
من بعد از

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاریخ ثبت: ۱۳۰۲/۰۵/۰۵

[illegible]

باقی باب ۱۱۲
نوش
فضل باطل عند
سعی ظہر و اعتقاد
نماز
نہایت است
است ادوا
و تفتیہ بنامہ

[illegible][illegible][illegible]

بشارت یا تسبیح نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه و تهم
 که استر آن نجس باشد اگر آن دو تبه مضرب نباشد نماز صحیح باشد
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر بر پارچه گسترانید و نماز کند
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز روا باشد از حرکت دادن
 طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود و اگر پارچه دراز باشد
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر
 زمین باشد اگر از حرکت مصطفی طرف پارچه که نجس است متحرک
 میشود نماز روا نباشد و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله
 مکروه است عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل
 باشد و اگر عمل کثیر است مفسد است و سنگ نریزه از موضع سجود
 یکسو کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار
 سنگ نریزه دفع کند و مکروه است انگشتان را مالیده و کشیده
 با و از آوردن و دست بر تکی گاه نهادن و بسوس

بشارت یا تسبیح نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه و تهم
 که استر آن نجس باشد اگر آن دو تبه مضرب نباشد نماز صحیح باشد
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر بر پارچه گسترانید و نماز کند
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز روا باشد از حرکت دادن
 طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود و اگر پارچه دراز باشد
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر
 زمین باشد اگر از حرکت مصطفی طرف پارچه که نجس است متحرک
 میشود نماز روا نباشد و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله
 مکروه است عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل
 باشد و اگر عمل کثیر است مفسد است و سنگ نریزه از موضع سجود
 یکسو کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار
 سنگ نریزه دفع کند و مکروه است انگشتان را مالیده و کشیده
 با و از آوردن و دست بر تکی گاه نهادن و بسوس

بشارت یا تسبیح نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه و تهم
 که استر آن نجس باشد اگر آن دو تبه مضرب نباشد نماز صحیح باشد
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر بر پارچه گسترانید و نماز کند
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز روا باشد از حرکت دادن
 طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود و اگر پارچه دراز باشد
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر
 زمین باشد اگر از حرکت مصطفی طرف پارچه که نجس است متحرک
 میشود نماز روا نباشد و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله
 مکروه است عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل
 باشد و اگر عمل کثیر است مفسد است و سنگ نریزه از موضع سجود
 یکسو کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار
 سنگ نریزه دفع کند و مکروه است انگشتان را مالیده و کشیده
 با و از آوردن و دست بر تکی گاه نهادن و بسوس

و از دست خفته سوار گردد که در این سوار در شسته یا پا چوبین هاشم کرده است که از فی السحر از اوقات ۱۲

و در این سوار در شسته یا پا چوبین هاشم کرده است که از فی السحر از اوقات ۱۲

راست یا چپ رو آوردن اگر سینه از سوی قبله برنگرد و
 و اگر برگرد و نماز فاسد شود و مکروه است اتفاقاً یعنی بر سرین
 و پا زانو برداشته و دست بر زمین نهاده مثل سنگ
 نشستن و هر دو ذراع را در سجده بر زمین فرمش کردن
 و جواب سلام بدست کردن و چهار زانو بی عذر در
 فرض نشستن و پا رچه را برای احتیاط خاک آلودگی
 چیدن و تکل ثوب یعنی پا رچه را بر سر و دوش
 انداخته اطراف آن را جمع کند فرو گزارد و فائزه کردن
 باید که فائزه را دفع کند و سرفه را تا مقدور دفع کند و
 متلی یعنی بدن را برای دفع ماندگی کشیدن
 و چشم پوشیده داشتن بلکه نظر در سجده گاه دارد
 و مکروه است که موئی سر را بالای سر پیچیده گره
 داده نماز کردن بلکه سنت است که اگر مو سر

و در این سوار در شسته یا پا چوبین هاشم کرده است که از فی السحر از اوقات ۱۲

و در این سوار در شسته یا پا چوبین هاشم کرده است که از فی السحر از اوقات ۱۲

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است
 و در بیان فضائل و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است

داشته باشد سوی فرومشته باشد تا موسی هم
 سجد کند و هم مکروه است نماز برهنه سرگزاردن
 مگر بنا بر تذلل و انکسار و شمار کردن آیات و تسبیحات
 بدست و نزد صاحبین مکروه نیست و مکروه است
 که امام تنها در طاق مسجد باشد و مردم بیرون یا امام بر بنده
 باشد و مردم همه زیر و مکروه است استادن پس
 صف تنها در صورتیکه در صف فرجه باشد و اگر
 فرجه نباشد یک کس را از صف کشیده با خود صف
 کند و مکروه است پوشیدن پارچه که در آن تصویر آدمی
 یا جانور باشد یا آنکه تصویر بالای سر باشد یا مقابله
 رویا بدست راست یا چپ باشد اگر زیر قدم یا پیش
 پشت باشد مضائقه ندارد و تصویر درخت و مانند
 آن مضائقه ندارد و همچنین تصویر سربیده قتل و کثرت

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است
 و در بیان فضائل و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است
 و در بیان فضائل و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است
 و در بیان فضائل و عیوب است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان مستحب و مکروه است
 و در بیان واجب و نهی است
 و در بیان عقوبات و جزا است

در نماز مکره نیست و نه آنکه امام در مسجد باشد و سجده
در طاق مسجد کند و نیز مکره نیست نماز خواندن
بطرف پشت مردی که سخن میکند و بسوی مصحف
یا شمشیر آویزان یا بسوی شمع یا سپهر
فصل مریض اگر قدرت بر قیام نداشته باشد یا
خوف زیادت مرض بود نماز نشسته گزارد و رکوع
و سجود بجا آورد و اگر قدرت بر رکوع و سجود نداشته
باشد و قدرت بر قیام داشته باشد نزد امام عظم
مفتی به آنست که نشسته نماز گزارد و او را بهترست
از استاده گزاردن نشسته نماز گزارد و اشاره
رکوع و سجود بکند اشاره سجود پست تر کند از رکوع
و اگر استاده نماز گزارد و اشاره کند هم جائزست و
نزد فقیر با وجود قدرت بر قیام قیام را ترک نکند

در نماز مکره نیست و نه آنکه امام در مسجد باشد و سجده
در طاق مسجد کند و نیز مکره نیست نماز خواندن
بطرف پشت مردی که سخن میکند و بسوی مصحف
یا شمشیر آویزان یا بسوی شمع یا سپهر
فصل مریض اگر قدرت بر قیام نداشته باشد یا
خوف زیادت مرض بود نماز نشسته گزارد و رکوع
و سجود بجا آورد و اگر قدرت بر رکوع و سجود نداشته
باشد و قدرت بر قیام داشته باشد نزد امام عظم
مفتی به آنست که نشسته نماز گزارد و او را بهترست
از استاده گزاردن نشسته نماز گزارد و اشاره
رکوع و سجود بکند اشاره سجود پست تر کند از رکوع
و اگر استاده نماز گزارد و اشاره کند هم جائزست و
نزد فقیر با وجود قدرت بر قیام قیام را ترک نکند

در نماز مکره نیست و نه آنکه امام در مسجد باشد و سجده
در طاق مسجد کند و نیز مکره نیست نماز خواندن
بطرف پشت مردی که سخن میکند و بسوی مصحف
یا شمشیر آویزان یا بسوی شمع یا سپهر
فصل مریض اگر قدرت بر قیام نداشته باشد یا
خوف زیادت مرض بود نماز نشسته گزارد و رکوع
و سجود بجا آورد و اگر قدرت بر رکوع و سجود نداشته
باشد و قدرت بر قیام داشته باشد نزد امام عظم
مفتی به آنست که نشسته نماز گزارد و او را بهترست
از استاده گزاردن نشسته نماز گزارد و اشاره
رکوع و سجود بکند اشاره سجود پست تر کند از رکوع
و اگر استاده نماز گزارد و اشاره کند هم جائزست و
نزد فقیر با وجود قدرت بر قیام قیام را ترک نکند

[illegible]

و اگر قدرت بر قیام و رکوع و سجود نداشته باشد
نشسته نماز گزارد و اشاره کند و اگر قدرت
نشستن هم نداشته باشد بر قفا نماز گزارد و هر دو پای
سوی قبله کند یا بر پهلو گزارد و روی بسوی قبله
کند و اشاره کند بسو اگر اشاره بر سر بر آید رکوع
و سجود مقدور نباشد نماز را موقوف دارد تا که قدرت
اشاره حاصل شود و اگر درین عرصه بمیرد عاصی نباشد
و اگر در میانه نماز بیمار شد حسب مقدور خود نماز تمام کند
مگر اگر مریض نماز نشسته میکرد بار رکوع و سجود
در میانه نماز قادر شد بر قیام استاده شده همان نماز را
تمام کند و نزد امام محمد نماز را از سر گیرد و اگر مریض نماز
باز اشاره میکرد در میانه نماز بر رکوع و سجود قادر شد
باتفاق نماز از سر گیرد مگر هر که بیوش شد

[illegible]

فی اللہ الخیار

پانزده روز یا زیاده از آن کند در شهر یا در دی و نیت
اقامت در صحرا معتبر نیست و کسانی که همیشه در صحرا
سے مانند و جای اقامت نمی کنند مگر چند روز آنها
همیشه نماز اقامت میخوانده باشند مگر وقتیکه قصد کنند
دفعه واحده سفر چهل و هشت کرده را و مسافر اگر اقتضای
مقیم کند در وقت بروی چهار گانه لازم شود و بعد
گذشتن وقت یعنی در قضا مسافر را اقتدای مستقیم صحیح
نیست و مقیم را اقتدای مسافر هم در وقت و هم بعد
وقت در قضا صحیح است امام مسافر دو گانه خوانده
سلام دهد و مقتدی مستقیم بر خاسته چهار رکعت تمام کند
مسلمه و وطن اصلی بوطن اصلی باطل شود و نه بسفر
و نه بوطن اقامت و وطن اقامت هم بوطن
اقامت باطل شود و هم بوطن اصلی و هم بسفر

مسافر اگر در شهر یا دی اقامت کند و نیت اقامت در صحرا کند
و نیت اقامت در صحرا کند و نیت اقامت در شهر یا دی کند
و نیت اقامت در شهر یا دی کند و نیت اقامت در صحرا کند

از قضا و نیت
مسافر اگر در شهر یا دی اقامت کند و نیت اقامت در صحرا کند
و نیت اقامت در صحرا کند و نیت اقامت در شهر یا دی کند
و نیت اقامت در شهر یا دی کند و نیت اقامت در صحرا کند

۶۵

مسافر اگر در شهر یا دی اقامت کند و نیت اقامت در صحرا کند
و نیت اقامت در صحرا کند و نیت اقامت در شهر یا دی کند
و نیت اقامت در شهر یا دی کند و نیت اقامت در صحرا کند

مسافر اگر در شهر یا دی اقامت کند و نیت اقامت در صحرا کند
و نیت اقامت در صحرا کند و نیت اقامت در شهر یا دی کند
و نیت اقامت در شهر یا دی کند و نیت اقامت در صحرا کند

کلمه فائده حضرت در سفر چهار گانه گزارد و فائده
 سفر در حضور و گانه گزارد **مسئله** در سفر معصیت
 نزدائمه شلته قصر و انباشد و نزد امام عظم
 روست افطار روزه و واجب ست قصر نماز
مسئله در نیت اقامت و سفر نیت بتبوع
 مقبرست یعنی امیر و سید و شوهر نه نیت
 سابع یعنی لشکری و عبد و زوجة **فصل**
 در نماز جمعه برای صحت ادای جمعه و سقوط
 ظهر از مصلی جمعه شش چیز شرط است یکی مصر
 یعنی شهری که در آن حاکم و قاضی باشد
 یا نواح مصر که برای حجاج اهل مصر میا باشد
 پس در دوات نزد امام اعظم جمعه جائز نیست
 و نزد شافعی رحم و اکثرائمه در دوات جمعه جائزست

کلمه فائده حضرت در سفر چهار گانه گزارد و فائده
 سفر در حضور و گانه گزارد **مسئله** در سفر معصیت
 نزدائمه شلته قصر و انباشد و نزد امام عظم
 روست افطار روزه و واجب ست قصر نماز
مسئله در نیت اقامت و سفر نیت بتبوع
 مقبرست یعنی امیر و سید و شوهر نه نیت
 سابع یعنی لشکری و عبد و زوجة **فصل**
 در نماز جمعه برای صحت ادای جمعه و سقوط
 ظهر از مصلی جمعه شش چیز شرط است یکی مصر
 یعنی شهری که در آن حاکم و قاضی باشد
 یا نواح مصر که برای حجاج اهل مصر میا باشد
 پس در دوات نزد امام اعظم جمعه جائز نیست
 و نزد شافعی رحم و اکثرائمه در دوات جمعه جائزست

کلمه فائده حضرت در سفر چهار گانه گزارد و فائده
 سفر در حضور و گانه گزارد **مسئله** در سفر معصیت
 نزدائمه شلته قصر و انباشد و نزد امام عظم
 روست افطار روزه و واجب ست قصر نماز
مسئله در نیت اقامت و سفر نیت بتبوع
 مقبرست یعنی امیر و سید و شوهر نه نیت
 سابع یعنی لشکری و عبد و زوجة **فصل**
 در نماز جمعه برای صحت ادای جمعه و سقوط
 ظهر از مصلی جمعه شش چیز شرط است یکی مصر
 یعنی شهری که در آن حاکم و قاضی باشد
 یا نواح مصر که برای حجاج اهل مصر میا باشد
 پس در دوات نزد امام اعظم جمعه جائز نیست
 و نزد شافعی رحم و اکثرائمه در دوات جمعه جائزست

و در نواح مصر جائز نیست و **ووم** حضور یا د شاه
 یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شرط نیست **سوم**
 وقت ظهر چهار **رم** خطبه مسئله نزد ابی حنیفه **رح** خطبه
 مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض
 آنست که ذکر طویل باشد و خطبه خواندن شتمن **بهر**
 و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مرسلان را
 و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر
 ائمه فرض است و نزد امام **عظم** **رح** سنت است
 و ترک آن مکروه **چشم** جماعت است و آن
 نزد شافعی **رح** و احمد **رح** چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه
 که کس سواهی امام و نزد ابی یوسف **رح** دو کس سواهی
 امام مسئله اگر در میان نماز مردم جماعت بگریزند و عدد جماعت
 نماند جمعه امام و باقی ماند با فاشد شود و ظهر از سر گیرند

اینست که در نواح مصر جائز نیست و در نواح مصر جائز نیست و در نواح مصر جائز نیست
 یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شرط نیست یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شرط نیست
 وقت ظهر چهار رم خطبه مسئله نزد ابی حنیفه رح خطبه وقت ظهر چهار رم خطبه مسئله نزد ابی حنیفه رح خطبه
 مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض
 آنست که ذکر طویل باشد و خطبه خواندن شتمن بهر آنست که ذکر طویل باشد و خطبه خواندن شتمن بهر
 و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مرسلان را و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مرسلان را
 و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر
 ائمه فرض است و نزد امام عظم رح سنت است ائمه فرض است و نزد امام عظم رح سنت است
 و ترک آن مکروه چشم جماعت است و آن و ترک آن مکروه چشم جماعت است و آن
 نزد شافعی رح و احمد رح چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه نزد شافعی رح و احمد رح چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه
 که کس سواهی امام و نزد ابی یوسف رح دو کس سواهی که کس سواهی امام و نزد ابی یوسف رح دو کس سواهی
 امام مسئله اگر در میان نماز مردم جماعت بگریزند و عدد جماعت امام مسئله اگر در میان نماز مردم جماعت بگریزند و عدد جماعت
 نماند جمعه امام و باقی ماند با فاشد شود و ظهر از سر گیرند نماند جمعه امام و باقی ماند با فاشد شود و ظهر از سر گیرند

مسئله اذان جامع می کشند بر وی حضور جمعه لازم است
 مستثنی نبوده و مریض و مسافر اگر در جمعه امام گیرند
 روا باشد **مسئله** اگر جماعت مسافران در عصر نماز
 جمعه گزارند و در آنها مقیم کسی نباشد نزد امام عظمی
 جمعی صحیح باشد و نزد شافعی و احمد تا که چهل کس حرم مقیم
 صحیح نباشد جمعه روا نباشد **مسئله** غیر منذور

[illegible]

اگر پیش از جمعه ظهر گزار و ظهر او شود با کراهت تحریم
 پستتر اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز فارغ
 نشده بود و ظهر باطل شد پیش از آنکه جمعه را یافت بهتر و الا ظهر
 باز گزار و دو رکعت صبحین هر دو اگر جمعه را در نیاید ظهر باطل نشود
مسئله منذور و سبوح را در روز جمعه نماز ظهر کجاست
 گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه در تشهد
 یا در سجود سهو دریافت و داخل نماز شد بعد سلام
 امام دو رکعت است جمعه تمام کند و نزو بخواند اگر از رکعت ثانیه
 رکعت نیاخته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریم تمام کند
مسئله چون جمعه را اذان اول گفته شود و سعی
 واجب گردد و بیع حرام شود و چون امام بر آید برای خطبه
 سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد **مسئله** تا که
 از خطبه فارغ شود و چون امام بسجده نشیند

اگر پیش از جمعه ظهر گزار و ظهر او شود با کراهت تحریم
 پستتر اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز فارغ
 نشده بود و ظهر باطل شد پیش از آنکه جمعه را یافت بهتر و الا ظهر
 باز گزار و دو رکعت صبحین هر دو اگر جمعه را در نیاید ظهر باطل نشود
مسئله منذور و سبوح را در روز جمعه نماز ظهر کجاست
 گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه در تشهد
 یا در سجود سهو دریافت و داخل نماز شد بعد سلام
 امام دو رکعت است جمعه تمام کند و نزو بخواند اگر از رکعت ثانیه
 رکعت نیاخته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریم تمام کند
مسئله چون جمعه را اذان اول گفته شود و سعی
 واجب گردد و بیع حرام شود و چون امام بر آید برای خطبه
 سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد **مسئله** تا که
 از خطبه فارغ شود و چون امام بسجده نشیند

[illegible]

در روز عید الفطر سنت است که اول خیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سواک کند و غسل کند و احسن ثیاب پوشد و خوشبو استعمال نماید و تکبیر گوید و آن بصفتی رود لیکن جهر به تکبیر نه کند و چون آفتاب بلند شود و چشم خیرگی نماید از آن وقت تا پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اولی سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و بعد از تکبیرات شنا خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع در نماز عید واجب است اگر فوت شود سجده سهواً لازم گردد و نماز عید اگر کسی همراه امام در دنیا بد آن را قضا نیست و اگر

مسئله روز عید الفطر سنت است که اول خیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سواک کند و غسل کند و احسن ثیاب پوشد و خوشبو استعمال نماید و تکبیر گوید و آن بصفتی رود لیکن جهر به تکبیر نه کند و چون آفتاب بلند شود و چشم خیرگی نماید از آن وقت تا پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اولی سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و بعد از تکبیرات شنا خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع در نماز عید واجب است اگر فوت شود سجده سهواً لازم گردد و نماز عید اگر کسی همراه امام در دنیا بد آن را قضا نیست و اگر

در روز عید الفطر سنت است که اول خیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سواک کند و غسل کند و احسن ثیاب پوشد و خوشبو استعمال نماید و تکبیر گوید و آن بصفتی رود لیکن جهر به تکبیر نه کند و چون آفتاب بلند شود و چشم خیرگی نماید از آن وقت تا پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اولی سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و بعد از تکبیرات شنا خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع در نماز عید واجب است اگر فوت شود سجده سهواً لازم گردد و نماز عید اگر کسی همراه امام در دنیا بد آن را قضا نیست و اگر

در روز عید الفطر سنت است که اول خیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سواک کند و غسل کند و احسن ثیاب پوشد و خوشبو استعمال نماید و تکبیر گوید و آن بصفتی رود لیکن جهر به تکبیر نه کند و چون آفتاب بلند شود و چشم خیرگی نماید از آن وقت تا پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اولی سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و بعد از تکبیرات شنا خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع سه تکبیر زواله گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر و آرد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع در نماز عید واجب است اگر فوت شود سجده سهواً لازم گردد و نماز عید اگر کسی همراه امام در دنیا بد آن را قضا نیست و اگر

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹

راه مصلی در عید اصحی بجهر میگفته باشد **سنة**
 تکبیرات تشریق بعد هر نماز فرض که بجاعت گزارده شود
 بر مقیم بصر واجب است از صبح روز عرفة تا عصر روز
 عید نزد امام عظم و تا عصر تاریخ سیزدهم نزد صاحبین
 و قنوی بر آنست و اگر زن یا مسافرا تها بمقیم کند بر آنها هم
 تکبیر واجب شود بگوید یکبار یا و از بلند الله اکبر الله
 اکبر لا اله الا الله ف الله اکبر الله اکبر لله الحمد

و تر دو رکعت نشسته خواندن مستحب است در رکعت
 اولی اِذَا مَنَّ لَیْلَۃُ الْاَسْرَافِ و در رکعت ثانیه
 قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ خُذُوا زَکَّوٰتَکُمْ مِّنْ حَرِّ زَکَّوٰتِکُمْ
 است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی ترک نفرموده
 و اگر احیاناً فوت شده دو اوزه رکعت در روز قضا
 فرموده و نماز تہجد از چهار رکعت کمتر نیامده و اوزه
 رکعت زیاده هم بثبوت نه پیوسته پیغمبر صلی الله
 علیه وسلم نماز و تر بعد تہجد میخواند سنت همین است
 هرگز بر نفس خود اعتماد باشد و تر بعد تہجد آخر شب
 بخواند که این بهتر است و اگر اعتماد نباشد پیش از
 خواب بخواند که احتیاط در آنست پیغمبر صلی الله
 علیه وسلم گاهی تہجد مع و تر هفت رکعت خوانده و گاهی
 یازده و گاهی سیزده و گاهی پانزده و گاهی دو گانه

و تر دو رکعت نشسته خواندن مستحب است در رکعت اولی اِذَا مَنَّ لَیْلَۃُ الْاَسْرَافِ و در رکعت ثانیه قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ خُذُوا زَکَّوٰتَکُمْ مِّنْ حَرِّ زَکَّوٰتِکُمْ است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی ترک نفرموده و اگر احیاناً فوت شده دو اوزه رکعت در روز قضا فرموده و نماز تہجد از چهار رکعت کمتر نیامده و اوزه رکعت زیاده هم بثبوت نه پیوسته پیغمبر صلی الله علیه وسلم نماز و تر بعد تہجد میخواند سنت همین است هرگز بر نفس خود اعتماد باشد و تر بعد تہجد آخر شب بخواند که این بهتر است و اگر اعتماد نباشد پیش از خواب بخواند که احتیاط در آنست پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی تہجد مع و تر هفت رکعت خوانده و گاهی یازده و گاهی سیزده و گاهی پانزده و گاهی دو گانه

و گانه و گاهی چهار گانه چهار گانه و گاهی مجموع یک
سلام و گاهی هر دو گانه بوضوی جدید و سواک خوانده
و بعد هر دو گانه بخواب رفته و باز بیدار شده و طول قیام
در تجل بسیار میفرمود تا بحدیکه پاهای مبارک ورم کرده
و منشق شده گاهی چهار رکعت گزارده در رکعت اولی
سوره بقره و در ثانیه سوره آل عمران و در ثالثه سوره
نساء و در رابعه سوره مائده خوانده و بقدری قیام کرده
همان قدر رکوع و همچنین قوسه و همچنین سجود و همچنین
جلسه ادا فرموده و گاهی در یک رکعت این چهار سوره
جمع فرموده و حضرت عثمان رضی الله عنه در یک رکعت
و تمام قرآن ختم کرده لیکن مستحب آنست که هر روز آن
قدر بخواند که دوام یار آن توان کرد در ماهی یک
ختم کند یا دو ختم یا سه ختم و اکثر صحابه در هفت شب

[illegible]

[illegible]

صاحب دو گانه
 عالمی این
 دو گانه را از
 مندوبات
 نذرده است
 والہ اعلم
 عین
 کند کمان
 لعلی

این است که در نماز اگر احوال را در پیش آید وضو کند
 و در دو گانه نماز گزارد و سجده و صلوة گفته این دعا بخواند
 لا اله الا الله العظیم الکی یوم سبحان الله رب
 العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
 اسألك موجبات رحمتک و غزائمه و غفرانک
 و الغنیمة من کل بزی و العیضة من کل ذنب و
 السلامة من کل اثم لا تدع لی ذنب الا غفرت له
 و لا هم الا فتحت له و لا دینا الا قضیت له و
 لا حاجة من حوائج الدنیا و الاخریة هی
 لك ربنا الا قضیتها یا ارحم الراحمین
 نماز تسبیح صلوة التسبیح برای مغفرت
 جمیع ذنوب صغیره و کبیره خطا و عیسا و علانیه
 در حدیث آمده پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم عم خود

نماز حاجت اگر احوال را در پیش آید وضو کند
 و در دو گانه نماز گزارد و سجده و صلوة گفته این دعا بخواند
 لا اله الا الله العظیم الکی یوم سبحان الله رب
 العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
 اسألك موجبات رحمتک و غزائمه و غفرانک
 و الغنیمة من کل بزی و العیضة من کل ذنب و
 السلامة من کل اثم لا تدع لی ذنب الا غفرت له
 و لا هم الا فتحت له و لا دینا الا قضیت له و
 لا حاجة من حوائج الدنیا و الاخریة هی
 لك ربنا الا قضیتها یا ارحم الراحمین
نماز تسبیح صلوة التسبیح برای مغفرت
 جمیع ذنوب صغیره و کبیره خطا و عیسا و علانیه
 در حدیث آمده پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم عم خود

این دعا را در هر روز بخواند و حاجت او برآید
 و در دو گانه نماز گزارد و سجده و صلوة گفته این دعا بخواند
 لا اله الا الله العظیم الکی یوم سبحان الله رب
 العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
 اسألك موجبات رحمتک و غزائمه و غفرانک
 و الغنیمة من کل بزی و العیضة من کل ذنب و
 السلامة من کل اثم لا تدع لی ذنب الا غفرت له
 و لا هم الا فتحت له و لا دینا الا قضیت له و
 لا حاجة من حوائج الدنیا و الاخریة هی
 لك ربنا الا قضیتها یا ارحم الراحمین
 نماز تسبیح صلوة التسبیح برای مغفرت
 جمیع ذنوب صغیره و کبیره خطا و عیسا و علانیه
 در حدیث آمده پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم عم خود

این دعا را در هر روز بخواند و حاجت او برآید
 و در دو گانه نماز گزارد و سجده و صلوة گفته این دعا بخواند
 لا اله الا الله العظیم الکی یوم سبحان الله رب
 العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
 اسألك موجبات رحمتک و غزائمه و غفرانک
 و الغنیمة من کل بزی و العیضة من کل ذنب و
 السلامة من کل اثم لا تدع لی ذنب الا غفرت له
 و لا هم الا فتحت له و لا دینا الا قضیت له و
 لا حاجة من حوائج الدنیا و الاخریة هی
 لك ربنا الا قضیتها یا ارحم الراحمین
 نماز تسبیح صلوة التسبیح برای مغفرت
 جمیع ذنوب صغیره و کبیره خطا و عیسا و علانیه
 در حدیث آمده پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم عم خود

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

درست است که در این کتاب
بسیار از کلمات و عبارات
است که در این کتاب
نمی آید و بعضی از آنها
در این کتاب نیستند

دوست یار! مدد حاصل از راه رسیدن و در هر صورت کوشش و تلاش لازم می آید تا در این راه موفق گردانیم. خداوند را شکر که در این راه یاری کند.

[illegible]

کافی السعاده عفاکافی
بنزدیک نماز است
که حقیقا چهار رکعت
نامشداست و گفته اند
که شصت هزار مرتبه
کرده کنانی اگر درین
اول یا نفس آن خا
باشد و بعد از خود
از هر یک چهار رکعت
توبه و گناه عفا کند

دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر نیست
چهار گانه کرده بود و پیش از قعدۀ اولی فاسد کرده
چهار رکعت قضا کند و همچنین خلافت است در آنکه
چهار رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت
قراءت ترک کند یا در یک رکعت از شفعۀ ثانیه
قراءت کند و بس و اگر قراءت کرد و در رکعت
اولیین فقط یا در رکعت آخرین فقط یا ترک کرد
قراءت در یک رکعت از اولیین یا در یک رکعت از
آخرین درین چهار صورت باتفاق دو گانه قضا کند
و اگر قراءت کرد در یک رکعت از اولیین غیر آن یا در یکی
از اولیین یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد
دو گانه قضا کند و نزد یحیی چهار گانه و از ترک کردن قعدۀ
اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد یحیی باطل نشود

المختصين والخصاب
والبحر الزاقي ١٧ عالمي ١٧٥٠
تقاضي كسب واكر كد حيا
فسدوا كسب كد
سلام دادا كسب كد
نبا كد كد كد كد كد
كسب كد كد كد كد كد
كسب كد كد كد كد كد

۱۲۴
 زلفها را کرد در محراب
 بیک که از شنیدن
 نقض بطلان
 کردن
 نیست لازم نیست
 ز در کعبه و اگر
 نیست هیچ کس
 کرده در آن خلایق
 پسین
 است

امام حسن علیہ السلام
و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیهما السلام

باید دانست که هر وقت که از نماز شروع اول
سبب ترک قرائت نزدیکی است
نوبت این است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم
بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم

جدول احکام ترک قرائت در رکعات داخل چهار گانه غیر موقوف علامت قرائت
و شرح علامت خالی بودن رکعت از اذان

رکعت	اول	دوم	سوم	چهارم	بیان لزوم تهای رکعات
۱	خ	خ	خ	خ	اولین نزدیکی هر چهار نزدیکی بوسعت ۲۴
۲	خ	خ	ق	خ	اولین نزدیکی هر چهار نزدیکی بوسعت ۲۴
۳	خ	خ	خ	ق	اولین نزدیکی هر چهار نزدیکی بوسعت ۲۴
۴	ق	ق	خ	خ	آخرین بالا جماع
۵	خ	خ	ق	ق	اولین بالا جماع
۶	خ	ق	ق	ق	اولین بالا جماع
۷	ق	ق	ق	ق	اولین بالا جماع
۸	ق	ق	خ	ق	آخرین بالا جماع
۹	ق	ق	ق	خ	آخرین بالا جماع

درین صورتها می گاه تهای اول رکعت باید گذاشتی در اختیار و علیه الفتوب

۱۰	ق	خ	خ	خ	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد
۱۱	خ	ق	خ	خ	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد
۱۲	ق	خ	ق	خ	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد
۱۳	خ	ق	خ	ق	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد
۱۴	ق	خ	خ	ق	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد
۱۵	خ	ق	ق	خ	هر چهار نزدیکی اولین نزد امام محمد

درین صورتها شش گانه تهای چهار رکعت باید گذاشت

در الدر المختار و علیه الفتوب

بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم
بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم
بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم

بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم
بسیار است که از هر یک از اینها
متعلق صفحه ۱۵
قراوت در هر رکعت اول و دوم
از آن هر یک بانی است که از هر یک
قراوت در هر رکعت اول و دوم

[illegible]

فایده عجیب
تقاضای چهارگان از ترک ذرات در یک
ریخت از هر دو دفعه که نزد امام عظیم درین
جدول منقول شده روایت امام محمد از ابو یوسف
است ما خود امام ابو یوسف است ازین روایت
انکار کرده اند تفصیلش آنکه چون امام حسن
باجازت امام ابو یوسف در طریق استناد
جامع صغیر می دانستند و طریق امام
روایت خود از امام ابو یوسف می کرد
ابو صفیحه در این کتاب روایت فرموده
را بر ایشان عرض کند بعد از این گفتار
صحیح و مطابق سنت است پس مسلم
سنان را ابو صفیحه

این نقل خوب یاد دارم که تو فرموده بودی که
حالا فراموش کردی یا نه
است که ابو یوسف گفت من از امام درین جهت
فتاوی را چنین نقل کرده ام و در شیخی سمارد
مشایخ می گویند امام عظیم درین
بیب توانی و بیس امام عظیم درین
مسئله دوم آنکه تاخیر در وقت نهان ماندن
و ضو کرده باشد تا خروج وقت نهان ماندن
رو است امام ابو یوسف در وقت نهان ماندن
تا روشن شدن داخل وقت نهان ماندن
سوم آنکه اگر کسی عاصی غلامی
را خرید کرده

در سجده سهواً اگر سهواً ترک کرده مسئله
 اگر نذر کرد که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم پس حائضه
 شد قضا لازم آید **مسئله** نفل شسته خواندن بی عذر
 با وجود قدرت بر قیام جائز است لیکن شسته بی عذر خواندن
 ثواب یک درجه دارد و استاد خواندن دو درجه اگر تازه
 شروع کرد و شسته تمام کرد هم جائز است لیکن با کراهت
 مگر بجز ماندگی و هم جائز است بسبب ماندگی تکبیر بر
 دیوار کردن و نفل **مسئله** نفل گزاردن بر سر یا
 شتر یا مانند آن خارج مصر جائز است با شاره رکوع و سجود
 کند بپوشه که رو کند مرکوب و **مسئله** اگر شروع کرد بر سر
 پس بر زمین آمد همان نماز بارکوع و سجود تمام کند و نزدایی
 یوسف رح نماز از سر گیرد و اگر بر زمین نماز شروع
 کرد پسترسوار شد نمازش با اتفاق باطل شد بنا کند

در سجده سهواً اگر سهواً ترک کرده مسئله
 اگر نذر کرد که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم پس حائضه
 شد قضا لازم آید **مسئله** نفل شسته خواندن بی عذر
 با وجود قدرت بر قیام جائز است لیکن شسته بی عذر خواندن
 ثواب یک درجه دارد و استاد خواندن دو درجه اگر تازه
 شروع کرد و شسته تمام کرد هم جائز است لیکن با کراهت
 مگر بجز ماندگی و هم جائز است بسبب ماندگی تکبیر بر
 دیوار کردن و نفل **مسئله** نفل گزاردن بر سر یا
 شتر یا مانند آن خارج مصر جائز است با شاره رکوع و سجود
 کند بپوشه که رو کند مرکوب و **مسئله** اگر شروع کرد بر سر
 پس بر زمین آمد همان نماز بارکوع و سجود تمام کند و نزدایی
 یوسف رح نماز از سر گیرد و اگر بر زمین نماز شروع
 کرد پسترسوار شد نمازش با اتفاق باطل شد بنا کند

۸۶

در سجده سهواً اگر سهواً ترک کرده مسئله
 اگر نذر کرد که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم پس حائضه
 شد قضا لازم آید **مسئله** نفل شسته خواندن بی عذر
 با وجود قدرت بر قیام جائز است لیکن شسته بی عذر خواندن
 ثواب یک درجه دارد و استاد خواندن دو درجه اگر تازه
 شروع کرد و شسته تمام کرد هم جائز است لیکن با کراهت
 مگر بجز ماندگی و هم جائز است بسبب ماندگی تکبیر بر
 دیوار کردن و نفل **مسئله** نفل گزاردن بر سر یا
 شتر یا مانند آن خارج مصر جائز است با شاره رکوع و سجود
 کند بپوشه که رو کند مرکوب و **مسئله** اگر شروع کرد بر سر
 پس بر زمین آمد همان نماز بارکوع و سجود تمام کند و نزدایی
 یوسف رح نماز از سر گیرد و اگر بر زمین نماز شروع
 کرد پسترسوار شد نمازش با اتفاق باطل شد بنا کند

Handwritten Persian text from a manuscript, likely a historical or administrative document, featuring dense cursive script.

فصل سجده تلاوت واجب شود بر کسی که آیت سجده بخواند یا بشنود و اگر چه قصد شنیدن نکرده باشد مسلسل از خواندن امام اگر چه آهسته خواند بر مقتدی سجده واجب شود و از خواندن مقتدی بر کس واجب نشود مگر بر کسی که خارج نماز باشد و ازو بشنود و همچنین کسیکه در رکوع یا سجده یا قومه یا جلوس یا سجده خوانده یا کسیکه از او بشنود

مسئله اگر کسی خارج نماز آیه سجده خواند و مصلی بشنید بعد نماز سجده کند و اگر در نماز آن سجده کند روان باشد لیکن نماز باطل نشود

مسئله اگر امام آیه سجده خواند و کسی خارج نماز آن را بشنید یا آن را بشنید یا آن امام اقتدا کرد اگر پیش از

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

سجده کردن امام اقتضا ندارد و اگر همراه امام سجده کند و اگر
بعد سجده کردن امام در همان رکعت داخل شد
صلاحتی ندارد و اگر در رکعت دیگر داخل شد
بعد نماز سجده کند مانند کسی که اقتضا را نکرده
مسئله سجده تلاوت که در نماز واجب شده
بعد نماز قضا نشود **مسئله** اگر کسی آیه
سجده خارج نماز خواند و سجده نکرد پس در
نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند یک سجده
کفایت کند و اگر سجده نکرد پس در نماز شروع کرد
و باز همان آیه خواند باز سجده کند **مسئله**
اگر شخصی در مجلسی یک آیه سجده بارها خواند یک سجده
کفایت کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند
و اگر مجلس تلاوت کننده متحدث و مجلس سامع غیر متحد

مسلمان شد یا خود عاقل بود و مسلمان شد درین بهر سه
صورت اگر آن طفل بمیرد نماز بروی کرده شود
مسئله سنت است که جنازه را چهار کس بردارند
و جلد رتوان شوند نه پویان و همراهیانش پس جنازه
روان شوند و تا که جنازه بر زمین نهاده نشود نه نشینند
مسئله بخیر در قبر کرده شود و میشت را از جانب قبله
داخل قبر کرده شود و وقت نهادن بسم الله تعالی
میگویند سبحان الله گفته شود و روی بسوی قبله کرده شود
و قبر زن پوشیده شود و خشت خام یا نی نهاده خاک
انپاشته شود و قبر مثل کوبان شتر کرده شود و خشت
پخته و چونه و چوب در آن کردن مکروه است
انچه بر قبور اولیا عمارت های رفیع بنامی کنند و چراغان شدن
می کنند و ازین قبیل هر چه میکنند حرام است یا مکروه
از غلات و برده و سالن ۱۲

از غلاف پرفورم و سابلای ۱۲



مسئله اول در قبری که در وقت نماز باشد و در آن قبور باشد و در آن وقت که در آن قبور باشد و در آن وقت که در آن قبور باشد

مجلسی عالی است و در هر یک از آن است نام یکی نیست خیریت و نام دیگر روز نام یکی است پس هر دو روز

بجبر از خانه بدر کرده شود یا خانه منهدم شود یا خوف
کند بفرس یا بر مال خود و اگر سوای شوهر دیگر
از اقربای زن فوت شود سه روز ماتم کردن جائز
است و زیاده از سه روز حرامست مسئله غم کردن
بدل و گریستن از چشم بر مرده جائزست و آواز بلند کردن
در گریه و نوحه کردن و گریان چاک کردن بر سر و زدن
حرامست مسئله اکثر احادیث صحاح دلالت
دارند بر آنکه میت بسبب نوحه کردن اهل او عذاب
کرده میشود و درین باب علماء را اقوال مختلف اند
و مختار نیز و فقیر آنست که اگر مرده در حالت حیات
خود بنوحه عادت داشته باشد یا بدان وصیت
کرده باشد یا بدان راضی باشد یا میدانست که اهل
من بر من نوحه خواهند کرد و آنها را از آن

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وہی ہے جس نے ان کو اپنا گھر بنا لیا ہے۔

منع نموده درین صورتها سبب عذاب کرده شود نبوده
اهل او و الا عذاب نموده شود و مسئله سنت آنست
که در مصیبت اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ گویند و صبر کنند
مسئله طعام فرستادن برای اهل میت روز مصیبت
سنت است فصل زیارت قبور مردان را جانزست نه
زنان را و سنت آنست که در مقابر رفته گویند اَسَلَامٌ عَلَیْكُمْ
يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَنْتُمْ لَنَا
سَالِفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَابِعٌ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ
لَآ حَقِيقٌ نَّ يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفِدِّينَ مِنَّا وَالْمُسْتَخْرِجِينَ
أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ يَفِضُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ وَيَرْحَمُنَا
اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ از امیرالمومنین علی رضی الله عنه روایت
از پیغمبر علیه الصلوة والسلام که هر که بر مقابر گذرد و
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یا زده بار خوانده بر دکان بخشد

منع نکرده درین صورتهاست عذاب کرده شود نبوده
 اهل او و الا عذاب نکرده شود مسئله سنت است
 که در مصیبت **إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** گویند و صبر کنند
مسئله طعام فرستادن برای اهل بیت روز مصیبت
 سنت است **فصل** زیارت قبور مردان را جایز است نه
 زنان را و سنت است که در مقابر رفته گویند **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ**
يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُعْتَمِدِينَ أَنْتُمْ لَنَا
سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبِعٌ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ
لَا حَقَّ أَنْ يَرْحَمَ اللَّهُ الْمُتَّقِدِينَ مِنَّا وَالْمُتَأَخِّرِينَ
أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ عَافِيَةً يَقْضِيَهُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ وَيَرْحَمُنَا
اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ از امیرالمومنین علی رضی الله عنه مروست
 از پیغمبر علیه الصلوة والسلام که هر که بر مقابر گذرد و
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَزِدُّهُ بَارِخَوَانَهُ بر دوگان بخشد

موافق شمار مردگان اور اہم ثواب دادہ شود و از
 ابی ہریرہ مرویست مرفوعاً کہ ہر کہ فاتحہ و اخلاص
 و سورہ تکوین خواندہ برای مردگان ثواب آن گوئد
 مردگان برای او شفیع باشند و از انس است مرفوعاً
 کہ ہر کہ سورہ کس در مقابر بخواند آنہا را تخفیف کند
 حق تعالی و این را ثواب بعد و آنہا باشد مسئلہ
 اکثر محققین بر آنند کہ اگر کسی مردہ را ثواب نماز یا روزہ
 یا صدقہ یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد رسید
 مسئلہ سجۃ کردن بسوی قبور انبیاء و اولیاء و
 طوائف گمرد قبور کردن و دعا از آنہا خواستن و نذر برای
 آنہا قبول کردن حرامست بلکہ خیر ہا از ان بفرمیرساند
 پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بر آنہا لعنت گفتہ و از ان
 منع فرمودہ و گفتہ کہ قبر مرا بت نہ کنند

کتب معتبرہ
 در فضیلت و ثواب
 نماز و دعا و عبادت
 مردگان

کتاب الفکر

رکن دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی
قبائل عرب بعد وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
خواستند کہ زکوة ندهند ابو بکر صدیق قصد جهاد
با آنها فرمود و بر آن اجماع منعقد شد منکر و جوب
زکوة کافرست و تارک آن فاسق ^{بمعایه اتفاق کرده} مسئله زکوة
واجب است بر هر مسلم عاقل بالغ کہ مالک نصاب
باشد و فارغ باشد آن نصاب از خروج صلیب و دین و
نامحلی باشد و بروی سال تمام گذشته باشد مسئلہ اگر بعد
مالک نصاب پیش از تمام سال زکوة یک سال یا
زکوة چند سال پیشگی ادا کرد ادا شود مسئلہ اگر مالک
یک نصاب زکوة چند نصاب داد و بعد ادای زکوة
ذکور مالک چند نصاب شد تا هم ادا جائز باشد

کتاب الزکوة
 رکن دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی
 قبائل عرب بعد وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم
 خواستند که زکوة ندهند ابو بکر صدیق قصد جهاد
 با آنها فرمود و بر آن اجماع منعقد شد منکر و جوب
 زکوة کافرست و تارک آن فاسق ^{ای صحابه اتفاق کردند} مسئله زکوة
 واجب است بر هر مسلم عاقل بالغ که مالک نصاب
 باشد و فارغ باشد آن نصاب از حوائج صلیه و دین و
 نامحلی باشد و بروی سال تمام گذشته باشد مسئله اگر بعد
 مالک نصاب پیش از تمام سال زکوة یک سال یا
 زکوة چند سال پیشگی ادا کرد داد اشود مسئله اگر مالک
 یک نصاب زکوة چند نصاب داد و بعد ادای زکوة
 مذکور مالک چند نصاب شد تا هم ادا جائز باشد

[illegible]

انصاب اعتبار کرده شود و مستحق فقیر مرعی داشته شود
 و نزد صاحبین به اعتبار اجز انصاب کامل کرده میشود
 پس اگر صد درم سیم و ده مثقال زر باشد با تفنق
 زکوة واجب شود و اگر صد درم سیم و پنج مثقال
 زر باشد و قیمت پنج مثقال زر برابر صد درم است
 زکوة نزد امام اعظم رح واجب شود نه نزد صاحبین رح
مسئله اگر زریا نقره مغشوش باشد حکم زرو نقره
 خالص دارد اگر غش در آن مغلوب باشد و اگر
 غش غالب باشد حکم عروض دارد و قسم دوم از
 مال نامی مال تجارت است مسئله هر مال که به نیت
 تجارت خریده شود در آن زکوة واجب میشود و اگر کسی
 او را بخشیده باشد یا وصیت کرده باشد یا نه را
 در مهر مالی بدست آمده باشد یا مرد را در خلع یا صلح

۱۰۵

اگر در مال تجارت باشد و در آن زکوة واجب شود و اگر در مال غیر تجارت باشد و در آن زکوة واجب نشود

و اگر در مال تجارت باشد و در آن زکوة واجب شود و اگر در مال غیر تجارت باشد و در آن زکوة واجب نشود

اگر در مال تجارت باشد و در آن زکوة واجب شود و اگر در مال غیر تجارت باشد و در آن زکوة واجب نشود

از قصاص مال بدست آمده باشد و وقت مالک
شدن بیت تجارت کرده و ابی یوسف در آن زکوة
واجب نشود نه نزد خود ^{مسئله} اگر در سیرت های پیش از این
اگر چه وقت مردن ^{بوقت تجارت} بیت تجارت کرده مال تجارت
ننشود و زکوة در آن با اتفاق واجب نشود ^{مسئله} اگر
غلاتی را برای تجارت خرید کرد ^{اکن بوقت تجارت} پیسترنیت استخدام
کرد مال تجارت مانند و اگر برای استخدام خرید
کرد پیسترنیت تجارت کرده مال تجارت نشود و تا که
آن را بفروشد ^{مسئله} مال تجارت را بر یا سهم
و رانچه نفع فقر باشد قیمت کرده شود پس اگر بقدر
نصاب یکی از هر دو جنس رسد خیم حصه آن در زکوة
او اکنه ^{سوم} سوم از مال تامی سوا ائم اند یعنی شته ان
یا گاو ان یا بز یا مخلوط نر و ماده که اکثر سال بر چریدن

[illegible]

19

[illegible][illegible]

فصل صدقه فطر واجب است بر هر مسلم که مالک نصاب باشد و آن نصاب فاضل باشد از دیون و حوائج اصلیه و نامی بودن نصاب شرط نیست و بر مالک اینچنین نصاب گرفتن صدقه حرام است صدقه فطر از نفس خود دهد و فرزندان صغیر خود اگر مالک نصاب نباشند و اگر باشند از مال آنها داده شود و از بنندگان خدمتی خود بدهد نه از بنندگان تجارتی اگر چه بنده مذکور کصدقه شان زکوة است ۱۱ و ۱۲ خدائی ۱۱ یا ام ولد باشد نه از زوجه و فرزند ان بالغ خود و مکاتب خود و نه از بنده اگر بخیه مگر بعد از آمدن و اگر یک بنده یا چند بنده در چند کس مشترک باشند نزد امام اعظم صدقه فطر آن بنده بر کسی واجب نشود مسئله صدقه فطر واجب می شود

[illegible]

بطلوع فجر روز عید پس سیکه پیش از صبح عید برود
یا بعد صبح زائیده شد و یا اسلام آورد صدقه آن
واجب نشود و پیش از عید هم ادای صدقه فطر
بناز نیست لیکن سنون آنست که پیش از خروج
مبصری ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکند هرگاه خواهد
قضا کند مسطره مقدار صدقه فطر نصف صاع است
از گندم یا آرد گندم یا ستوی گندم یا یک صاع است
از خرما یا جو و شمش مثل گندم است نزو اما ماعظم
و مثل جو نزو صاحبین صاع ظرفی باشد که در آن است
رطل از عدس یا ماش یا مانند آن گنجد و نزو
ابی یوسف رح پنج رطل و ثلث رطل و رطل است
استار باشد هر استار چهار و نیم مثقال پس بوزن
یک رطل برابر سی و شش روپیه سکه دهل است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

نه كفارت و همچنین اگر در رمضان نه نیت روزه کرد و
نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از بود وقوع نیا
قضا واجب نشود نه كفارت و اگر در رمضان نیت
روزه نکرد و طعام خورد و نزد امام اعظم هم كفارت
واجب نشود و نزد صاحبین رحم واجب شود و اگر روزه
را فراموش کرد و در حالت فراموشی طعام یا آب خورد
یا جماع کرد و روزه فاسد نشود و قضا واجب نگردد و
همچنین احتلام و انزال تبطل شهوت و روغن بر بدن
مالیدن و سرمه در چشم کشیدن و غیبت کسی کردن
و حجامت کردن و بقیصدتی آمدن اگر چه کثیر باشد
و بقیصدتی اندک کردن و آب در گوش چکانیدن
روزه را فاسد نکند و اگر در روزی روغن یا پمپی دیگر
چکانید نزد امام اعظم رحم روزه فاسد نشود و نزد

[illegible]

[illegible]

نزدایی یوسف راسخ شود نه نزد محرم و اگر قلیل بقصد
 فرو برد نزد محرم فاسد شود نه نزدایی یوسف راسخ شدن
 چیزی یا خائیدن چیزی بعد از روزی که مکروه است
 و طعام برای طفل خائیدن در صورت ضرورت
 جائز باشد و مضنه و استنشق برای دفع گرمی
 و همچنین غسل برای دفع گرمی و پارچه ترچیدن نزد
 امام اعظم مکروه است تنزهها که بر جرح دلیل است
 و نزدایی یوسف مکروه نیست مسئله اگر شب مجنب شد
 و صبح کرد صائم در حالت جنابت روزه او صحیح است
 لیکن مستحب آنست که پیش از طلوع صبح غسل کند
 مسئله علماء اتفاق دارند بر آنکه در روزه دروغ گفتن یا
 غیبت کسی کردن یا کبسی نامنر گفتن روزه را فاسد نمیکند
 لیکن سخت مکروه است و نزد اوزاعی روزه او فاسد شود

از روی یوسف راسخ شود نه نزد محرم و اگر قلیل بقصد
 فرو برد نزد محرم فاسد شود نه نزدایی یوسف راسخ شدن
 چیزی یا خائیدن چیزی بعد از روزی که مکروه است
 و طعام برای طفل خائیدن در صورت ضرورت
 جائز باشد و مضنه و استنشق برای دفع گرمی
 و همچنین غسل برای دفع گرمی و پارچه ترچیدن نزد
 امام اعظم مکروه است تنزهها که بر جرح دلیل است
 و نزدایی یوسف مکروه نیست مسئله اگر شب مجنب شد
 و صبح کرد صائم در حالت جنابت روزه او صحیح است
 لیکن مستحب آنست که پیش از طلوع صبح غسل کند
 مسئله علماء اتفاق دارند بر آنکه در روزه دروغ گفتن یا
 غیبت کسی کردن یا کبسی نامنر گفتن روزه را فاسد نمیکند
 لیکن سخت مکروه است و نزد اوزاعی روزه او فاسد شود
 در روزی که یوسف راسخ شود نه نزد محرم و اگر قلیل بقصد
 فرو برد نزد محرم فاسد شود نه نزدایی یوسف راسخ شدن
 چیزی یا خائیدن چیزی بعد از روزی که مکروه است
 و طعام برای طفل خائیدن در صورت ضرورت
 جائز باشد و مضنه و استنشق برای دفع گرمی
 و همچنین غسل برای دفع گرمی و پارچه ترچیدن نزد
 امام اعظم مکروه است تنزهها که بر جرح دلیل است
 و نزدایی یوسف مکروه نیست مسئله اگر شب مجنب شد
 و صبح کرد صائم در حالت جنابت روزه او صحیح است
 لیکن مستحب آنست که پیش از طلوع صبح غسل کند
 مسئله علماء اتفاق دارند بر آنکه در روزه دروغ گفتن یا
 غیبت کسی کردن یا کبسی نامنر گفتن روزه را فاسد نمیکند
 لیکن سخت مکروه است و نزد اوزاعی روزه او فاسد شود

۱۲۳

رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ ترک نہ کر دین
دروغ و عمل معصیت پس حقیقی محتاج روزہ اونیست
یعنی روزہ اوقبول نیست مسئلہ اگر شخصی طعام میخورد
یا جماع میکند و فجر طلوع کرد و بجز طلوع فجر طعام
از دہان انداخت و ذکر از جماع بر کشید نزد جہو روزہ
او صحیح باشد و نزد مالک باطل شود مسئلہ
مریض کہ بصوم خوف زیادت مرض داشته باشد و
مسافر کہ بالا تفسیر آن گفته شد آنہارا افطار جائز است
پس اگر مسافر را روزہ مضرت باشد بہتر آن است کہ
روزہ دارد و اگر مسافر در جہاد باشد یا روزہ او را
مضرت باشد او را افطار بہتر است و اگر بہلاکت
رساند افطار واجب است از روزہ عاصی شود
و مریض و مسافر کہ افطار کردہ بود و ندانند اگر

[illegible][illegible][illegible]

در حالت همان مرض یا سفر مردند قضا واجب نشود
 و اگر بعد صحت و اقامت مردند هر قدر ایام که بصحت و
 اقامت دریاقتند همان قدر روزه را قضا واجب شود
 چون قضا نکردند بروی از ثلث مال آنها بشرط وصیت
 واجب است که فدیة دهد عوض هر روزه طعام یک سگین
 بقدر صدقه فطر و بدون وصیت واجب نیست و
 و اگر تبرع کند صحیح شود مسئله قضای رمضان اگر خواه
 پی به پی گذارد و اگر خواهد متفرق اگر تمام سال قضا
 نکرد و در رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر ادا کند
 پستربابت ماه رمضان اول قضا کند و درین صورت
 بی هیچ فدیة واجب نیست مسئله شیخ قانی که از روزه
 عاجز باشد افطار کند و عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام
 کند پستربا اگر قدرت روزه بهمه سیه قضا بروی واجب شود

۱۲۵

در حالت همان مرض یا سفر مردند قضا واجب نشود
 و اگر بعد صحت و اقامت مردند هر قدر ایام که بصحت و
 اقامت دریاقتند همان قدر روزه را قضا واجب شود
 چون قضا نکردند بروی از ثلث مال آنها بشرط وصیت
 واجب است که فدیة دهد عوض هر روزه طعام یک سگین
 بقدر صدقه فطر و بدون وصیت واجب نیست و
 و اگر تبرع کند صحیح شود مسئله قضای رمضان اگر خواه
 پی به پی گذارد و اگر خواهد متفرق اگر تمام سال قضا
 نکرد و در رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر ادا کند
 پستربابت ماه رمضان اول قضا کند و درین صورت
 بی هیچ فدیة واجب نیست مسئله شیخ قانی که از روزه
 عاجز باشد افطار کند و عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام
 کند پستربا اگر قدرت روزه بهمه سیه قضا بروی واجب شود

در حالت همان مرض یا سفر مردند قضا واجب نشود
 و اگر بعد صحت و اقامت مردند هر قدر ایام که بصحت و
 اقامت دریاقتند همان قدر روزه را قضا واجب شود
 چون قضا نکردند بروی از ثلث مال آنها بشرط وصیت
 واجب است که فدیة دهد عوض هر روزه طعام یک سگین
 بقدر صدقه فطر و بدون وصیت واجب نیست و
 و اگر تبرع کند صحیح شود مسئله قضای رمضان اگر خواه
 پی به پی گذارد و اگر خواهد متفرق اگر تمام سال قضا
 نکرد و در رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر ادا کند
 پستربابت ماه رمضان اول قضا کند و درین صورت
 بی هیچ فدیة واجب نیست مسئله شیخ قانی که از روزه
 عاجز باشد افطار کند و عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام
 کند پستربا اگر قدرت روزه بهمه سیه قضا بروی واجب شود

و اگر روزه داشت عاصی شود لیکن نذر از روزه ساقط
 شود و قضایا باید قائله در حدیث آمده هر که بعد رمضان
 در شوال شش روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه
 در شوال متفرق دارد متصل عید الفطر ندارد تا شش
 بنصاری نشود و متصل را کرده داشته اند و فتوی
 بر آنست که مکروه نیست و پیغمبر صلی الله علیه و سلم در شعبان
 اکثر روزه داشتی و بعضی احادیث بعد نصف شعبان از
 روزه نهی آمده بجهت آنکه ضعف مانع صوم رمضان نشود
 مسکنه در ماه سه روزه داشتن مسنون است
 گاهی پیغمبر صلی الله علیه و سلم روزه ایام بعین سیزدهم
 چهاردهم پانزدهم داشته و گاهی اول ماه و گاهی آخر ماه
 و گاهی در هر عشره یک روزه و گاهی پنجشنبه و دوشنبه

و اگر روزه داشت عاصی شود لیکن نذر از روزه ساقط
 شود و قضایا باید قائله در حدیث آمده هر که بعد رمضان
 در شوال شش روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه
 در شوال متفرق دارد متصل عید الفطر ندارد تا شش

۱۲۶

و اگر روزه داشت عاصی شود لیکن نذر از روزه ساقط
 شود و قضایا باید قائله در حدیث آمده هر که بعد رمضان
 در شوال شش روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه
 در شوال متفرق دارد متصل عید الفطر ندارد تا شش

و اگر روزه داشت عاصی شود لیکن نذر از روزه ساقط
 شود و قضایا باید قائله در حدیث آمده هر که بعد رمضان
 در شوال شش روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه
 در شوال متفرق دارد متصل عید الفطر ندارد تا شش

و در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است و در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است

[illegible]

اگر در وقت نماز باشد حرام است و همچنین جانوریکه آنرا مسلمان یا
 کتابی ذبح کرده باشد و عجم البسمه اگر ترک کرده باشد
 حرام است و اگر بنیان ترک کرده باشد نزد مالک و
 حرام است و نزد امام عظیم حلال است مسئله خوردن
 ورنده از چهار پاگان و پرندگان اگر چه گفتار و رو باه
 باشد و قیل و خروا و استخوانهای زمین مثل موش
 اهلی و دشتی و این عرس و غیره حشرات چون زنبور
 و سنگ لشت و مانند آن و جانوریکه غالب قوت وی
 نجاست باشد حرام است و زراعت که دانه و نجاست هر دو
 می خورد مکروه است و آب حلال است و نزد امام عظیم
 مکروه و زراعت که فقط دانه می خورد و خرگوش
 و دیگر حیوانات بری حلال اند و از حیوانات دریانزد
 امام عظیم سوای ماهی جمیع اقسام خودیج حلال است

۱۳۳
 حرام است و اگر بنیان ترک کرده باشد نزد مالک و
 حرام است و نزد امام عظیم حلال است مسئله خوردن
 ورنده از چهار پاگان و پرندگان اگر چه گفتار و رو باه
 باشد و قیل و خروا و استخوانهای زمین مثل موش
 اهلی و دشتی و این عرس و غیره حشرات چون زنبور
 و سنگ لشت و مانند آن و جانوریکه غالب قوت وی
 نجاست باشد حرام است و زراعت که دانه و نجاست هر دو
 می خورد مکروه است و آب حلال است و نزد امام عظیم
 مکروه و زراعت که فقط دانه می خورد و خرگوش
 و دیگر حیوانات بری حلال اند و از حیوانات دریانزد
 امام عظیم سوای ماهی جمیع اقسام خودیج حلال است

حرام است و اگر بنیان ترک کرده باشد نزد مالک و
 حرام است و نزد امام عظیم حلال است مسئله خوردن
 ورنده از چهار پاگان و پرندگان اگر چه گفتار و رو باه
 باشد و قیل و خروا و استخوانهای زمین مثل موش
 اهلی و دشتی و این عرس و غیره حشرات چون زنبور
 و سنگ لشت و مانند آن و جانوریکه غالب قوت وی
 نجاست باشد حرام است و زراعت که دانه و نجاست هر دو
 می خورد مکروه است و آب حلال است و نزد امام عظیم
 مکروه و زراعت که فقط دانه می خورد و خرگوش
 و دیگر حیوانات بری حلال اند و از حیوانات دریانزد
 امام عظیم سوای ماهی جمیع اقسام خودیج حلال است

۱۱۰ در غنای
 ۱۱۱ در غنای
 ۱۱۲ در غنای
 ۱۱۳ در غنای
 ۱۱۴ در غنای
 ۱۱۵ در غنای
 ۱۱۶ در غنای
 ۱۱۷ در غنای
 ۱۱۸ در غنای
 ۱۱۹ در غنای
 ۱۲۰ در غنای

نجاست خفیفه و همچنین دیگر اشربه از تر یا زریب بعد
 پنختن یا از غسل یا انجیر یا گندم یا جو یا جوار و غیر آن
 انچه مسکر باشد و همچنین شلت عنبی که آب انگور بعد
 پنختن یک شلت باقی مانده باشد این همه مسکرات
 نزد امام محمد در حرام است اگر چه یک قطره از آن خورد
 و نجاست نجاست خفیفه رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم هر چه کثیر آن سکر آرد قطره از آن حرام است
 و هر چه مسکر است خمر است یعنی آنچه خمر است در حرمت
 و نجاست و نزد امام ابی حنیفه در سوای چهار شراب
 سابقه از اشربه لاحقه انچه بقصد لهو خورد حرام است
 و اگر بقصد قوت خورد جائز باشد لیکن این قول امام
 مشرک است و فتوی بر قول محمد است
 از انچه بی نفع گرفتن جائز نیست پس چهار پایه را هم از آن

نجاست خفیفه و همچنین دیگر اشربه از تر یا زریب بعد
 پنختن یا از غسل یا انجیر یا گندم یا جو یا جوار و غیر آن
 انچه مسکر باشد و همچنین شلت عنبی که آب انگور بعد
 پنختن یک شلت باقی مانده باشد این همه مسکرات
 نزد امام محمد در حرام است اگر چه یک قطره از آن خورد
 و نجاست نجاست خفیفه رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم هر چه کثیر آن سکر آرد قطره از آن حرام است
 و هر چه مسکر است خمر است یعنی آنچه خمر است در حرمت
 و نجاست و نزد امام ابی حنیفه در سوای چهار شراب
 سابقه از اشربه لاحقه انچه بقصد لهو خورد حرام است
 و اگر بقصد قوت خورد جائز باشد لیکن این قول امام
 مشرک است و فتوی بر قول محمد است
 از انچه بی نفع گرفتن جائز نیست پس چهار پایه را هم از آن

۱۳۵
 نجاست خفیفه و همچنین دیگر اشربه از تر یا زریب بعد
 پنختن یا از غسل یا انجیر یا گندم یا جو یا جوار و غیر آن
 انچه مسکر باشد و همچنین شلت عنبی که آب انگور بعد
 پنختن یک شلت باقی مانده باشد این همه مسکرات
 نزد امام محمد در حرام است اگر چه یک قطره از آن خورد
 و نجاست نجاست خفیفه رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم هر چه کثیر آن سکر آرد قطره از آن حرام است
 و هر چه مسکر است خمر است یعنی آنچه خمر است در حرمت
 و نجاست و نزد امام ابی حنیفه در سوای چهار شراب
 سابقه از اشربه لاحقه انچه بقصد لهو خورد حرام است
 و اگر بقصد قوت خورد جائز باشد لیکن این قول امام
 مشرک است و فتوی بر قول محمد است
 از انچه بی نفع گرفتن جائز نیست پس چهار پایه را هم از آن

نجاست خفیفه و همچنین دیگر اشربه از تر یا زریب بعد
 پنختن یا از غسل یا انجیر یا گندم یا جو یا جوار و غیر آن
 انچه مسکر باشد و همچنین شلت عنبی که آب انگور بعد
 پنختن یک شلت باقی مانده باشد این همه مسکرات
 نزد امام محمد در حرام است اگر چه یک قطره از آن خورد
 و نجاست نجاست خفیفه رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم هر چه کثیر آن سکر آرد قطره از آن حرام است
 و هر چه مسکر است خمر است یعنی آنچه خمر است در حرمت
 و نجاست و نزد امام ابی حنیفه در سوای چهار شراب
 سابقه از اشربه لاحقه انچه بقصد لهو خورد حرام است
 و اگر بقصد قوت خورد جائز باشد لیکن این قول امام
 مشرک است و فتوی بر قول محمد است
 از انچه بی نفع گرفتن جائز نیست پس چهار پایه را هم از آن

و کندن زر گردگینه **مسئله** بستن دندان شکسته بتانقره جائز است نه تبار زر و نرد و شمشیر و تبار زر هم جائز است
مسئله انگشتری از آهن و سنگ و روئین جائز نیست
مسئله پادشاه و قاضی و قاضی را انگشتری برای مهر و شهنشانت است و دیگران را ترک آن افضل است **مسئله**
 طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن باشد و نشستن برین چنین کرسی جائز است بشرطیکه از موضع نقره احتیاط کند و نزدایی یوسف و مکروه است و از محمد و وایت **مسئله**
 طفل ز را پوشانیدن حریر و زر حرام است **فصل** در و طای و دواعی آن جماع کردن با زن منکوحه یا مملو که خود در قوبر یا در حالت حیض حرام است **مسئله** لواط حرام است قطعی منکر هرستان کافر است

در کندن زر گردگینه
 در بستن دندان شکسته بتانقره
 در انگشتری از آهن و سنگ و روئین
 در پادشاه و قاضی و قاضی را انگشتری برای مهر و شهنشانت
 در دیگران را ترک آن افضل است
 در طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن باشد
 در نشستن برین چنین کرسی
 در از موضع نقره احتیاط کند
 در نزدایی یوسف و مکروه است
 در از محمد و وایت
 در طفل ز را پوشانیدن حریر و زر
 در حرام است
 در فصل در و طای و دواعی آن
 در جماع کردن با زن
 در منکوحه یا مملو که خود در قوبر یا در حالت حیض
 در حرام است
 در مسئله لواط حرام است قطعی منکر هرستان کافر است

در کندن زر گردگینه
 در بستن دندان شکسته بتانقره
 در انگشتری از آهن و سنگ و روئین
 در پادشاه و قاضی و قاضی را انگشتری برای مهر و شهنشانت
 در دیگران را ترک آن افضل است
 در طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن باشد
 در نشستن برین چنین کرسی
 در از موضع نقره احتیاط کند
 در نزدایی یوسف و مکروه است
 در از محمد و وایت
 در طفل ز را پوشانیدن حریر و زر
 در حرام است
 در فصل در و طای و دواعی آن
 در جماع کردن با زن
 در منکوحه یا مملو که خود در قوبر یا در حالت حیض
 در حرام است
 در مسئله لواط حرام است قطعی منکر هرستان کافر است

در کندن زر گردگینه
 در بستن دندان شکسته بتانقره
 در انگشتری از آهن و سنگ و روئین
 در پادشاه و قاضی و قاضی را انگشتری برای مهر و شهنشانت
 در دیگران را ترک آن افضل است
 در طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن باشد
 در نشستن برین چنین کرسی
 در از موضع نقره احتیاط کند
 در نزدایی یوسف و مکروه است
 در از محمد و وایت
 در طفل ز را پوشانیدن حریر و زر
 در حرام است
 در فصل در و طای و دواعی آن
 در جماع کردن با زن
 در منکوحه یا مملو که خود در قوبر یا در حالت حیض
 در حرام است
 در مسئله لواط حرام است قطعی منکر هرستان کافر است

برای حاج بیرون می آید روی و دست او دیدن
 جائزست اگر شهوت نباشد و الا جائز نیست در قرآن
 آمده بگوئی محمد مردان مسلمانان را که از زنان چشم پوشند
 و فروج را نگاه دارند و بگوئی ^{صلی الله علیه و آله و سلم} مسلمانان را که از مردان
 چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده
 هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند ^{سینه} سرش و چشم او
 روز قیامت رختیه شود ^{مسئله} از زن متکوه و مملو که خود
 تمام بدن دیدن جائزست لیکن مستحب آنست که
 بشهوت نگاه راند و از زن محرمه خود و از کنیز
 اجنبی سر روی و ساق و بازو به بیند و مس کردن
 هم جائزست اگر از شهوت مامون باشد و شکم و
 پشت و ران نه بیند و بنده از مالک خود مثل
 اجنبیست ^{مسئله} دیدن لبوی زن اجنبیه

در این باب از حدیث آمده است که هر که از زنان چشم پوشد و فروج را نگاه دارد و بگوئی مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند سرش و چشم او روز قیامت رختیه شود

در این باب از حدیث آمده است که هر که از زنان چشم پوشد و فروج را نگاه دارد و بگوئی مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند سرش و چشم او روز قیامت رختیه شود

در این باب از حدیث آمده است که هر که از زنان چشم پوشد و فروج را نگاه دارد و بگوئی مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند سرش و چشم او روز قیامت رختیه شود

در این باب از حدیث آمده است که هر که از زنان چشم پوشد و فروج را نگاه دارد و بگوئی مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند سرش و چشم او روز قیامت رختیه شود

در این باب از حدیث آمده است که هر که از زنان چشم پوشد و فروج را نگاه دارد و بگوئی مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را نگاه دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه را بشهوت به بیند سرش و چشم او روز قیامت رختیه شود

اگر در محلوک صغیر یا هم قرابت محرمیت داشته باشند
 قریه و ختن آنها علیحدہ علیحدہ مکروه است و ممنوع و همچنین
 اگر یکی از آنها صغیر باشد و دوم کبیر و نزد بعضی این
 بیع جائز نباشد **مسئله** بیع چربی عتیہ جائز نیست
مسئله بیع روغن خبث نزد ابی حنیفہ جائز است
 و نزد دیگر ائمہ جائز نیست **مسئله** بیع گندگی انسان
 اگر مخلوط نباشد نزد امام اعظم مکروه است و اگر
 مخلوط باشد نجاک و مانند آن نزد امام اعظم جائز است
 و بیع سرگین هم نزد او جائز است و نزد اکثر ائمہ بیع
 بیج چیز از آن جائز نیست **مسئله** هر چه بیع آن جائز
 نیست انتفاع بدان جائز نیست **مسئله** احتکار
 یعنی بند کردن و نفروختن قوت آدمیان و چهار پایگان

اگر در محلوک صغیر یا هم قرابت محرمیت داشته باشند
 قریه و ختن آنها علیحدہ علیحدہ مکروه است و ممنوع و همچنین
 اگر یکی از آنها صغیر باشد و دوم کبیر و نزد بعضی این
 بیع جائز نباشد **مسئله** بیع چربی عتیہ جائز نیست
مسئله بیع روغن خبث نزد ابی حنیفہ جائز است
 و نزد دیگر ائمہ جائز نیست **مسئله** بیع گندگی انسان
 اگر مخلوط نباشد نزد امام اعظم مکروه است و اگر
 مخلوط باشد نجاک و مانند آن نزد امام اعظم جائز است
 و بیع سرگین هم نزد او جائز است و نزد اکثر ائمہ بیع
 بیج چیز از آن جائز نیست **مسئله** هر چه بیع آن جائز
 نیست انتفاع بدان جائز نیست **مسئله** احتکار
 یعنی بند کردن و نفروختن قوت آدمیان و چهار پایگان

اگر در محلوک صغیر یا هم قرابت محرمیت داشته باشند
 قریه و ختن آنها علیحدہ علیحدہ مکروه است و ممنوع و همچنین
 اگر یکی از آنها صغیر باشد و دوم کبیر و نزد بعضی این
 بیع جائز نباشد **مسئله** بیع چربی عتیہ جائز نیست
مسئله بیع روغن خبث نزد ابی حنیفہ جائز است
 و نزد دیگر ائمہ جائز نیست **مسئله** بیع گندگی انسان
 اگر مخلوط نباشد نزد امام اعظم مکروه است و اگر
 مخلوط باشد نجاک و مانند آن نزد امام اعظم جائز است
 و بیع سرگین هم نزد او جائز است و نزد اکثر ائمہ بیع
 بیج چیز از آن جائز نیست **مسئله** هر چه بیع آن جائز
 نیست انتفاع بدان جائز نیست **مسئله** احتکار
 یعنی بند کردن و نفروختن قوت آدمیان و چهار پایگان

[illegible][illegible]

اگر سبب آنکه از دادن ناخوش
 قرار هم سبب آنکه از دادن ناخوش
 قرار هم سبب آنکه از دادن ناخوش
 قرار هم سبب آنکه از دادن ناخوش

مسئله از طعام دعوت چیزی بجان خود نیاورد و هم
 بپاشد نه دیگر با جارت مالک و اگر داند که آنجا هو یا سر و دست
 حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن او ظاهر شد
 اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد
 یا او در مجلس طعام باشد نشیند یا ام عظم فرموده که بدان
 مبتلا شدم پس صبر کردم یعنی پیش از مقتدا شدن
مسئله شکر و حرام است که باز دارند است از
 ذکر آبی و هیچ شهوت است بسوی معاصی و اگر در حق
 کسی اینچنین نباشد مثلاً در ویشی صاحب نفس مطمئنه
 که غیر از عشق و محبت آبی در سر او هیچ نیلی و رغبتی
 بسوی شهوات نبود از زبان مردی که قابل شهوت
 نباشد کلامی موزون با آوازی موزون نشود و او را
 مانع از ذکر آبی نباشد بلکه همچنان محبت آبی کند

۱۵۷

و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت

و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت
 و اگر در آن وقت که در آن وقت

در حق آن کس انکار نتوان کرد و خواه عالیشان
 بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه که کمال اتباع سنت
 داشت فرموده نه این کار میکنم چرا که منون نیست
 و نه انکار میکنم و طاهای و مزاسیر و طنبور و دهل و نقاره
 و دف و غیره با اتفاق حرام است مگر طبل غازی یعنی
 نقاره هنگام جنگ یا دف برای اعلان نکاح مسئله
 شعر کلام است موزون حسن و حسن است و قبیح او
 قبیح است لیکن بشیر اخلاص است وقت در آن مکروه
 است مسئله ثیاب و سمعه در عبادت ثواب عبادت
 را باطل کند بلکه معصیت شود یعنی هر که عبادت
 کند برای دیدن و شنیدن مردم نزد خدا
 ثواب آن نباشد پنجم علیه السلام آن را شرک
 خفی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی

در حق آن کس انکار نتوان کرد و خواه عالیشان
 بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه که کمال اتباع سنت
 داشت فرموده نه این کار میکنم چرا که منون نیست
 و نه انکار میکنم و طاهای و مزاسیر و طنبور و دهل و نقاره
 و دف و غیره با اتفاق حرام است مگر طبل غازی یعنی
 نقاره هنگام جنگ یا دف برای اعلان نکاح مسئله
 شعر کلام است موزون حسن و حسن است و قبیح او
 قبیح است لیکن بشیر اخلاص است وقت در آن مکروه
 است مسئله ثیاب و سمعه در عبادت ثواب عبادت
 را باطل کند بلکه معصیت شود یعنی هر که عبادت
 کند برای دیدن و شنیدن مردم نزد خدا
 ثواب آن نباشد پنجم علیه السلام آن را شرک
 خفی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی

در حق آن کس انکار نتوان کرد و خواه عالیشان
 بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه که کمال اتباع سنت
 داشت فرموده نه این کار میکنم چرا که منون نیست
 و نه انکار میکنم و طاهای و مزاسیر و طنبور و دهل و نقاره
 و دف و غیره با اتفاق حرام است مگر طبل غازی یعنی
 نقاره هنگام جنگ یا دف برای اعلان نکاح مسئله
 شعر کلام است موزون حسن و حسن است و قبیح او
 قبیح است لیکن بشیر اخلاص است وقت در آن مکروه
 است مسئله ثیاب و سمعه در عبادت ثواب عبادت
 را باطل کند بلکه معصیت شود یعنی هر که عبادت
 کند برای دیدن و شنیدن مردم نزد خدا
 ثواب آن نباشد پنجم علیه السلام آن را شرک
 خفی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی

۱۵۸

در حق آن کس انکار نتوان کرد و خواه عالیشان
 بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه که کمال اتباع سنت
 داشت فرموده نه این کار میکنم چرا که منون نیست
 و نه انکار میکنم و طاهای و مزاسیر و طنبور و دهل و نقاره
 و دف و غیره با اتفاق حرام است مگر طبل غازی یعنی
 نقاره هنگام جنگ یا دف برای اعلان نکاح مسئله
 شعر کلام است موزون حسن و حسن است و قبیح او
 قبیح است لیکن بشیر اخلاص است وقت در آن مکروه
 است مسئله ثیاب و سمعه در عبادت ثواب عبادت
 را باطل کند بلکه معصیت شود یعنی هر که عبادت
 کند برای دیدن و شنیدن مردم نزد خدا
 ثواب آن نباشد پنجم علیه السلام آن را شرک
 خفی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی

در حق آن کس انکار نتوان کرد و خواه عالیشان
 بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه که کمال اتباع سنت
 داشت فرموده نه این کار میکنم چرا که منون نیست
 و نه انکار میکنم و طاهای و مزاسیر و طنبور و دهل و نقاره
 و دف و غیره با اتفاق حرام است مگر طبل غازی یعنی
 نقاره هنگام جنگ یا دف برای اعلان نکاح مسئله
 شعر کلام است موزون حسن و حسن است و قبیح او
 قبیح است لیکن بشیر اخلاص است وقت در آن مکروه
 است مسئله ثیاب و سمعه در عبادت ثواب عبادت
 را باطل کند بلکه معصیت شود یعنی هر که عبادت
 کند برای دیدن و شنیدن مردم نزد خدا
 ثواب آن نباشد پنجم علیه السلام آن را شرک
 خفی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیبت است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است

حرمت داده لیکن حرمت مسلمان و حرمت خون او
 و مال او و آبروی او از تو زیاده است مسئله دروغ
 حرام است مگر برای صلح میان دو کس یا برای راضی
 کردن اهل خود یا برای دفع ظلم ظالم درین چنین
 مقام تعریض بکذب بهتر است و بی حاجت تعریض
 بکذب هم مکروه است **مسئله** تحسین حال مسلمانان
 برای عیب جوئی آنها حرام است و بدترین دروغ
 شهادت دروغ است و قسم دروغ که بدان
 مال مسلمانی را بناحق تلف کند حق تعالی
 دروغ را برابر شرک شمرده و فرموده که پرهیز
 کنسید از بت پرستی و پرهیز کنسید از سخن
 دروغ در حالی که مسلمان راه راست رونده باشید
 نه مشرک **مسئله** رشوت دهند و رشوت خورنده

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیبت است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیبت است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیبت است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است

در این کتاب که در بیان احکام و عقاید است
 و در بیان فضیلت و عیبت است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است
 و در بیان حلال و حرام است
 و در بیان پاک و نجس است

مسلم
فردا که در روز دوشنبه است
فردا که در روز دوشنبه است
فردا که در روز دوشنبه است

فرض است **مسلم** کسی که بروی احسان کند
شکر او کردن و مکافات او نمودن مستحب است
یا واجب و انکار آن کردن و کفر آن نمودن
معصیت است هر که شکر بنده نکرده شکر خدا نکند
مسلم نشستن در مجلس علماء و صلحا افضل است
اگر میسر شود و اگر میسر نشود عزیمت بهتر است
مسلم کثرت در روید بر پیغمبر صلی الله علیه
و سلم مستحب است و خالی بودن مجلس از ذکر خدا و
روید بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم مکروه است **مسلم**
هر در آتشبه بزنان و زن را آتشبه بردان و مسلم
را آتشبه بکفار و فتنای حرام است **مسلم** قتل
کردن جانور را کول نه برای خوردن حرام است
مسلم قتل جانور موزی جانور است

۱۶۶

مسلم
فردا که در روز دوشنبه است
فردا که در روز دوشنبه است
فردا که در روز دوشنبه است

مسئله حقوق مسلمانان بر مسلمانان شش چیز
 است عیادت مریض و حضور جنازه و قبول
 دعوت و سلام و تشمیت عاقل و غیر خواهی
 در حضور و هم در غیبت مسئله باید که دوست
 دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست
 دارد و مکروه دارد و در حق آنها آنچه برای خود
 نپسندد و در سلام واجب است مسئله بدانکه
 کبائر بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبائر کفر است
 و قریب آن عقائد باطله مرتبه دوم آنچه در آن
 حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال
 و آبروی مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد
 و حقوق بندگان نبخشد بقوم از انفس و ایت
 کرد که رسول منبر بود صلی الله علیه و سلم

حقوق مسلمانان بر مسلمانان شش چیز است عیادت مریض و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و تشمیت عاقل و غیر خواهی در حضور و هم در غیبت مسئله باید که دوست دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست دارد و مکروه دارد و در حق آنها آنچه برای خود نپسندد و در سلام واجب است مسئله بدانکه کبائر بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبائر کفر است و قریب آن عقائد باطله مرتبه دوم آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشد بقوم از انفس و ایت کرد که رسول منبر بود صلی الله علیه و سلم

در عیادت مریض و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و تشمیت عاقل و غیر خواهی در حضور و هم در غیبت مسئله باید که دوست دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست دارد و مکروه دارد و در حق آنها آنچه برای خود نپسندد و در سلام واجب است مسئله بدانکه کبائر بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبائر کفر است و قریب آن عقائد باطله مرتبه دوم آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشد بقوم از انفس و ایت کرد که رسول منبر بود صلی الله علیه و سلم

در عیادت مریض و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و تشمیت عاقل و غیر خواهی در حضور و هم در غیبت مسئله باید که دوست دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست دارد و مکروه دارد و در حق آنها آنچه برای خود نپسندد و در سلام واجب است مسئله بدانکه کبائر بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبائر کفر است و قریب آن عقائد باطله مرتبه دوم آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشد بقوم از انفس و ایت کرد که رسول منبر بود صلی الله علیه و سلم

در عیادت مریض و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و تشمیت عاقل و غیر خواهی در حضور و هم در غیبت مسئله باید که دوست دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست دارد و مکروه دارد و در حق آنها آنچه برای خود نپسندد و در سلام واجب است مسئله بدانکه کبائر بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبائر کفر است و قریب آن عقائد باطله مرتبه دوم آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آبروی مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشد بقوم از انفس و ایت کرد که رسول منبر بود صلی الله علیه و سلم

که ز ناباده زن کثرت از زنا باز نهمسایه و در
 حدیث آمده که بزرگتر کبائر آنست که کسی پدر
 و مادر خود را دشنام دهد گفتند والدین را
 چگونه کسی دشنام دهد فرمود والدین دیگری را
 دشنام دهد او والدین این را دشنام دهد
 مسئله روح فاسق حرامست در حدیث است
 که حق تعالی بر آن غضب شود و عرش بر آن بلرزد
 مسئله اگر کسی دیگری را لعنت کند و آنکس
 اهل لعنت نباشد لعن بروی یازگردد مسئله
 در حدیث است علامات منافق دروغ گوئی و
 خلاف وعده و خیانت در امانت و خدعه عهد
 و دشنام و منازعت مسئله رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم شرک بکن بخدا اگر چه قتل

در بیان فضیلت و عظمیای سید عالم علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

سهل انكاشتن وبران اصرار كردن گناه كبريه است
وخلال دلتن گناه صغيره قطعي كفرست بخاري از
النس روايت كرده كه فرمود انس كه شما كارها
مي كنيد و از موي باريكتر و سهل تر ميسدانيد و ما آنرا
در عهد پيغمبر صلي الله عليه وسلم از مملكات الميستم
بدانكه سخن در شرائع بسيارست و مطلوبات ازان مشغول
بقدر كفائيت درين وراق براي فارسي خوان نوشته شد
زياده از اين اگر احتياج افتد بجليار جوع ميتوان كرد

كتاب الاحسان

بدان اسعدك الله تعالى اين همسر كه گفته شد
صورت ايمان و اسلام و شريعت است و مفروض
حقيقت او در خدمت درویشان بايد جست و
خيال نبايد كرد كه حقيقت خلاف شريعت است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

در این سخن چهل و کفرست بلکه همین شریعت است که
 در خدمت درویشان چون قلب از تعلق علمی و حبی
 که با سوی اسد داشت پاک شود و ز اکل نفس بی طرف
 گشته نفس مطمئن شود و اخلاص بهرساند شریعت
 در حق او با مغر شود نماز او عسند اسد تعلق دیگر
 بهرساند و در رکعت او بهتر از یک رکعت دیگران
 باشد و همچنین صوم او و صدقه او از رسول منبر
 صلی الله علیه و سلم اگر شمشل احد زرد در راه خدا
 خرج کنند بر یک سیر یا نیم سیر چو نباشد که صحابه
 در راه خدا داده اند این از جهت قوت ایمان اخلاص
 شان است نور باطن چنین صلی الله علیه و سلم
 را از سینه درویشان باید جست و بدان نور سینه
 خود را روشن باید کرد تا هر خیر و شرفی است صحیح

این نشان از بند و وظیفه
 در این سخن چهل و کفرست
 که با سوی اسد داشت پاک
 گشته نفس مطمئن شود
 در حق او با مغر شود نماز
 بهرساند و در رکعت او
 باشد و همچنین صوم او
 صلی الله علیه و سلم اگر
 خرج کنند بر یک سیر یا
 در راه خدا داده اند این
 شان است نور باطن چنین
 را از سینه درویشان باید
 خود را روشن باید کرد تا

در این سخن چهل و کفرست بلکه همین شریعت است که
 در خدمت درویشان چون قلب از تعلق علمی و حبی
 که با سوی اسد داشت پاک شود و ز اکل نفس بی طرف
 گشته نفس مطمئن شود و اخلاص بهرساند شریعت
 در حق او با مغر شود نماز او عسند اسد تعلق دیگر
 بهرساند و در رکعت او بهتر از یک رکعت دیگران
 باشد و همچنین صوم او و صدقه او از رسول منبر
 صلی الله علیه و سلم اگر شمشل احد زرد در راه خدا
 خرج کنند بر یک سیر یا نیم سیر چو نباشد که صحابه
 در راه خدا داده اند این از جهت قوت ایمان اخلاص
 شان است نور باطن چنین صلی الله علیه و سلم
 را از سینه درویشان باید جست و بدان نور سینه
 خود را روشن باید کرد تا هر خیر و شرفی است صحیح

[illegible]

در یافت شود و بی درستی آن متقی را فرموده
و در حدیث علامت اولیاء الله فرموده که
در محبت او خدا یاد آید یعنی محبت دنیا و محبت
او کم شود و محبت حق زیاده گردد و الله اعلم و کسی که
متقی نباشد او بی نیاست مشهوری

ای بسا بالیس آدم روی هست
پس بهر دستی نشاید داد دست

حضرت عزیزان علی رامینی قدس سرہ می فرماید

بای

وز تو زید حیات و کلبت
نفت ۱۶ ای حیات و نیا ۱۲
ورنه کنده روح عزیزان کلبت

با کشتی و نشیمن دولت
ز هزار جیبش گم نرین میانش

مناسب باشد از این جهت که در این کتاب

[illegible]

یا حلال قطعی را حرام یا فرض را فرض ندانند کافر شود
مسئله اگر گوشت مردار میفروشد و گوید که این مردار
نیست از حلال است کافر نشود مسئله مردنی گیری را
گفت که از خدائی ترسی گفت نه کافر شود و نزد محمد
بن فضیل اگر در عصیت باشد کافر شود و الا نه مسئله
اگر گفت که وی اگر خدا شود من حق خود از وی بستانم
کافر شود مسئله اگر گوید که خدا با تو بس نیاید
من چگونه با تو بس آیم کافر شود مسئله اگر گوید
که مرا بر آسمان خداست و بر زمین تو کافر شود مسئله
اگر بپرسد کسی مرد گفت که خدا را با بسته بود کافر شود
و اگر دیگر گفت که خدا بر تو ظلم کرد کافر شود
مسئله اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد و ظلم گفت
ای خدا تو از وی مسپدیر اگر تو از وی بپذیری

کلامی که در این کتاب است از زبان خداوند است و هر کس که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند

من نه پذیرم کافر شود **مسئله** اگر کسی از ثواب
 و عذاب بپزارد کافر شود **مسئله** اگر کسی بدون
 شهود و تمکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه
 کردم یا فرشته را گواه کردم کافر شود **مسئله**
 از مجمع النوازل آورد که اگر گفت که فرشته دست راست
 و دست چپ را گواه کردم کافر نشود اگر چه تمکاح
 صحیح نباشد **مسئله** اگر جانوری آواز کرد
 پس گفت که بیارم یا غله گران شود یا جانور آواز
 کرد از سفر بازگشت در کفر و اختلاف است **مسئله**
 اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد می کنم
 بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدای داد که نمی
 و شادی تو چنانم که یعنی و شادی خود بعضی گفت
 کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آن کس مال

در این کتاب است از زبان خداوند است و هر کس که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند
 خداوند او را از عذاب خود برهانند و اگر کسی که این کلام را بخواند

شهادت از نظر مردم در
 شهادت از نظر خداوند است
 شهادت از نظر خداوند است
 شهادت از نظر خداوند است

166

[illegible][illegible]

ع ۱۲ عالمگیر

مسئله اگر کسی گفت ناخن تراشیدن سنت است
 دیگری گفت اگر چه سنت باشد منی کنم کافر شود اگر گوید
 سنت چه کار آید کافر شود مسئله اگر کسی امر معروف
 کرد دیگری گفت چه غوغا آوردی اگر این سخن برو چه رد
 گفت کافر شود در فتاوی ای سراجی گفته طالبین
 اگر گوید اگر خدا ای جهان ست بتا من کافر شود اگر گفت که
 اگر نمیست کافر نشود مسئله اگر کسی گوید حکم خدا
 چنین است آن کس گفت حکم خدا را من چه دانم کافر شود
 مسئله اگر سیوی فتوی دید و گفت که این چه پاناسه
 فتوی آوردی اگر شریعت را سبک دانسته گفت کافر شود
 مسئله اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است
 این کس بزور آروغ آورد و گفت اینک شریعت را کافر
 شود اگر کسی را گفتند که با فلان کس صلح کن آنکس گفت

مسئله اگر کسی گفت ناخن تراشیدن سنت است
 دیگری گفت اگر چه سنت باشد منی کنم کافر شود اگر گوید
 سنت چه کار آید کافر شود مسئله اگر کسی امر معروف
 کرد دیگری گفت چه غوغا آوردی اگر این سخن برو چه رد
 گفت کافر شود در فتاوی ای سراجی گفته طالبین
 اگر گوید اگر خدا ای جهان ست بتا من کافر شود اگر گفت که
 اگر نمیست کافر نشود مسئله اگر کسی گوید حکم خدا
 چنین است آن کس گفت حکم خدا را من چه دانم کافر شود
 مسئله اگر سیوی فتوی دید و گفت که این چه پاناسه
 فتوی آوردی اگر شریعت را سبک دانسته گفت کافر شود
 مسئله اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است
 این کس بزور آروغ آورد و گفت اینک شریعت را کافر
 شود اگر کسی را گفتند که با فلان کس صلح کن آنکس گفت

مسئله اگر کسی گفت ناخن تراشیدن سنت است
 دیگری گفت اگر چه سنت باشد منی کنم کافر شود اگر گوید
 سنت چه کار آید کافر شود مسئله اگر کسی امر معروف
 کرد دیگری گفت چه غوغا آوردی اگر این سخن برو چه رد
 گفت کافر شود در فتاوی ای سراجی گفته طالبین
 اگر گوید اگر خدا ای جهان ست بتا من کافر شود اگر گفت که
 اگر نمیست کافر نشود مسئله اگر کسی گوید حکم خدا
 چنین است آن کس گفت حکم خدا را من چه دانم کافر شود
 مسئله اگر سیوی فتوی دید و گفت که این چه پاناسه
 فتوی آوردی اگر شریعت را سبک دانسته گفت کافر شود
 مسئله اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است
 این کس بزور آروغ آورد و گفت اینک شریعت را کافر
 شود اگر کسی را گفتند که با فلان کس صلح کن آنکس گفت

مسئله اگر کسی گفت ناخن تراشیدن سنت است
 دیگری گفت اگر چه سنت باشد منی کنم کافر شود اگر گوید
 سنت چه کار آید کافر شود مسئله اگر کسی امر معروف
 کرد دیگری گفت چه غوغا آوردی اگر این سخن برو چه رد
 گفت کافر شود در فتاوی ای سراجی گفته طالبین
 اگر گوید اگر خدا ای جهان ست بتا من کافر شود اگر گفت که
 اگر نمیست کافر نشود مسئله اگر کسی گوید حکم خدا
 چنین است آن کس گفت حکم خدا را من چه دانم کافر شود
 مسئله اگر سیوی فتوی دید و گفت که این چه پاناسه
 فتوی آوردی اگر شریعت را سبک دانسته گفت کافر شود
 مسئله اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است
 این کس بزور آروغ آورد و گفت اینک شریعت را کافر
 شود اگر کسی را گفتند که با فلان کس صلح کن آنکس گفت

۱۲ عالمی بی بی
کائنات کی بی بی
نماز کن نماز کن
جو این وقت تو
سینا پر
نماز کن در
نماز کن دنیا
نماز کن راز طاعت
خوشی و کمال
کن نماز کن
تو نماز کن

اصح آنست که کافر نشود اگر و اعظم گفت بیاشت تا فلان
 روز در مجلس من اسلام آری فتوی بر آنست که کافر شود
مسئله اگر گرفت مرابازی از نماز و روزه نشأب گرفت
 کافر شود **مسئله** اگر گوید تو چند گاه نماز کن تا محالوت
 بی نمازی بینی کافر شود **مسئله** اگر گفت کار و شمشیر
 همانست و کار کافران همان کافر شود و اگر این سخن عالم معین گوید
 کافر نشود **مسئله** اگر در دعا گفت ای خدا رحمت خود را
 از من دریغ مدار از الفاظ کفرست **مسئله** اگر شخصی
 زنی را گفت که مرتد شود برین صورت ^{کهانی اسراریه ۱۲ عالمگیر} از شوهر خود جدا شوی گویند
 کافر شود **مسئله** ضایع بفر برای خود و برای غیر خود کفرست
 و صحیح آنست که اگر کفر را قبیح دانسته دشمن خود را خواهد که کافر شود
 این کس ازین رضا کافر نشود **مسئله** اگر بفرماید بخواری
 بر مسکانی مرتفع مثل واعظان بنشینند و سخن خندگی بگویند

۱۲ عالمی
 ۱۳ قزاق
 ۱۴ کان
 ۱۵ علم
 ۱۶ دینی
 ۱۷ نواده
 ۱۸ زمین
 ۱۹ افعال
 ۲۰ مساوی
 ۲۱ لازم
 ۲۲ حق
 ۲۳ عالمی
 ۲۴ قزاق
 ۲۵ کان
 ۲۶ علم
 ۲۷ دینی
 ۲۸ نواده
 ۲۹ زمین
 ۳۰ افعال
 ۳۱ مساوی
 ۳۲ لازم
 ۳۳ حق
 ۳۴ عالمی
 ۳۵ قزاق
 ۳۶ کان
 ۳۷ علم
 ۳۸ دینی
 ۳۹ نواده
 ۴۰ زمین
 ۴۱ افعال
 ۴۲ مساوی
 ۴۳ لازم
 ۴۴ حق
 ۴۵ عالمی
 ۴۶ قزاق
 ۴۷ کان
 ۴۸ علم
 ۴۹ دینی
 ۵۰ نواده
 ۵۱ زمین
 ۵۲ افعال
 ۵۳ مساوی
 ۵۴ لازم
 ۵۵ حق
 ۵۶ عالمی
 ۵۷ قزاق
 ۵۸ کان
 ۵۹ علم
 ۶۰ دینی
 ۶۱ نواده
 ۶۲ زمین
 ۶۳ افعال
 ۶۴ مساوی
 ۶۵ لازم
 ۶۶ حق
 ۶۷ عالمی
 ۶۸ قزاق
 ۶۹ کان
 ۷۰ علم
 ۷۱ دینی
 ۷۲ نواده
 ۷۳ زمین
 ۷۴ افعال
 ۷۵ مساوی
 ۷۶ لازم
 ۷۷ حق
 ۷۸ عالمی
 ۷۹ قزاق
 ۸۰ کان
 ۸۱ علم
 ۸۲ دینی
 ۸۳ نواده
 ۸۴ زمین
 ۸۵ افعال
 ۸۶ مساوی
 ۸۷ لازم
 ۸۸ حق
 ۸۹ عالمی
 ۹۰ قزاق
 ۹۱ کان
 ۹۲ علم
 ۹۳ دینی
 ۹۴ نواده
 ۹۵ زمین
 ۹۶ افعال
 ۹۷ مساوی
 ۹۸ لازم
 ۹۹ حق
 ۱۰۰ عالمی

[illegible]

کند از آنکه در آن مجلس از آن بختند همه کافر شوند **مسئله** اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی زنا یا قتل ناحق حلال بودی کافر شود و اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی خمر حلال بودی یا روزه ماه رمضان فرض نبودی
 کافر شود اگر کسی گوید که خدای دانده من این کار نکرده ام
 حال آنکه آن کار کرده است در صرح قولین کافر شود و از
 امام سرخسی منقول است که اگر آن قسم خورنده اعتقاد میکند که
 این کلام بدروغ گفتن کفر است در آن صورت کافر شود
 و گرنه نه شود و فتویٰ حسام الدین بر آنست **مسئله** اگر کسی
 گفته که از ایمان خارج نکند مگر چیزی که استکار باشد بدانچه ایمان
 آوردن بدان واجب است **مسئله** امام ناصر الدین گفته که
 آنچه در تفسیر نیست از طوطی آن حکم بر ذت کرده شود و آنچه بر ذت بدون
 آن شک است از آن حکم بر ذت نباید کرد و که ثابت از شک زائل
 نشود حال آنکه **آلایه اسلام یعلو ولا یصلی و در حکم بکار گفتن**

و اهل مجلس از آن بختند همه کافر شوند **مسئله** اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی زنا یا قتل ناحق حلال بودی کافر شود و اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی خمر حلال بودی یا روزه ماه رمضان فرض نبودی
 کافر شود اگر کسی گوید که خدای دانده من این کار نکرده ام
 حال آنکه آن کار کرده است در صرح قولین کافر شود و از
 امام سرخسی منقول است که اگر آن قسم خورنده اعتقاد میکند که
 این کلام بدروغ گفتن کفر است در آن صورت کافر شود
 و گرنه نه شود و فتویٰ حسام الدین بر آنست **مسئله** اگر کسی
 گفته که از ایمان خارج نکند مگر چیزی که استکار باشد بدانچه ایمان
 آوردن بدان واجب است **مسئله** امام ناصر الدین گفته که
 آنچه در تفسیر نیست از طوطی آن حکم بر ذت کرده شود و آنچه بر ذت بدون
 آن شک است از آن حکم بر ذت نباید کرد و که ثابت از شک زائل
 نشود حال آنکه **آلایه اسلام یعلو ولا یصلی و در حکم بکار گفتن**

از آنکه در آن مجلس از آن بختند همه کافر شوند **مسئله** اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی زنا یا قتل ناحق حلال بودی کافر شود و اگر از آن بختند
 و گوید که اشکی خمر حلال بودی یا روزه ماه رمضان فرض نبودی
 کافر شود اگر کسی گوید که خدای دانده من این کار نکرده ام
 حال آنکه آن کار کرده است در صرح قولین کافر شود و از
 امام سرخسی منقول است که اگر آن قسم خورنده اعتقاد میکند که
 این کلام بدروغ گفتن کفر است در آن صورت کافر شود
 و گرنه نه شود و فتویٰ حسام الدین بر آنست **مسئله** اگر کسی
 گفته که از ایمان خارج نکند مگر چیزی که استکار باشد بدانچه ایمان
 آوردن بدان واجب است **مسئله** امام ناصر الدین گفته که
 آنچه در تفسیر نیست از طوطی آن حکم بر ذت کرده شود و آنچه بر ذت بدون
 آن شک است از آن حکم بر ذت نباید کرد و که ثابت از شک زائل
 نشود حال آنکه **آلایه اسلام یعلو ولا یصلی و در حکم بکار گفتن**

فصل در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر
 و در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر

کافر نشود و با غیرین خود کافر شود **مسئله** حلال و نهستن جماعت
 حیض کفرست در حالت استبراء عت است کفر نیست **مسئله**
 و خسروانی گفته که مروی بر کانی متلفع نبشید و مردم از وی بطریق استنار
 مسائل پرسند و بطریق استنار جواب گوید کافر شود و بر مرکابی
 بنده شستن شرط نیست استنار العباد و منی کفرست **مسئله** اگر
 گفت که مرا با مجلس علم چه کاریا گویند چه علم میگویند که میتوان کرد کافر شود
مسئله اگر گویند میاید علم چه کاری آید کافر شود **مسئله**
 اگر گویند اینها که علم می آموزند و استانهاست یا ترویج است یا گویند من
 حیل و دشمنان را منکرم کافر شود **مسئله** اگر کسی گوید بخراسان
 بشرح بیا و گفت پیاده بیار کافر شود و اگر گفت بایستی قاضی گفت
 پیاده بیار کافر شود **مسئله** اگر گفت تا رجوع بکند اگر گفت
 ان صلوة تنهی کافر شود **مسئله** می آیت قرآن اذ قرح نهاده
 قرح را پرک کرده گوید کاسا و باقا کافر شود **مسئله** اگر در حق باقی

فصل در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر
 و در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر

فصل در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر
 و در بیان حلال و حرام
 و در بیان کفر و ایمان
 و در بیان جهنم و جنت
 و در بیان عذاب و عفو
 و در بیان نعمت و عسر
 و در بیان قضا و قدر

۱۱
میگویند بنام
صوفی میانه
و آنرا می پند
و فغانی کو دکان
از دیو و اسدین
عزیزان به فعل
و قهر و عداوت
و فکر و غور
و این فتنه
و این فتنه
و این فتنه

شهری من نزد قاضی امان است در ادای آن تهاون ننمایند و همیشه شرفی حضرت شیخ رضی الله عنه را هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب باشد علی التام مع قدوة و علی المقتی
قد رُکَّ لا یُکفُّ الله نفساً الا و سَعَهَا فقیر و سال تمام ده من گندم پنج شش و پیم
نقد بایشان میدادم از بر قصور نشود و ده یکیز زمین چاه سیدانی و الا و الله دلیل الله از طرف خود
برای میرزا آتقی و صیحت کرده بود بایشان میرسد و من از طرف خود بست یکصد غام
از زمین چاهی مزروع از موضع نگله برای ایشان مقرر نموده بودم لیکن ایشان بر آن قبضه نموده
اند لیکن گندم و یکرو پیم نقد در ماه بایشان میدهم درین هم قصور نشود موضع نگله میراث جدیدی
و جهادری من نیست محض تصدق حضرت میرزا صاحب شصت رضی الله عنه و ادای
خدمت ایشان تقصیر بنمایم و عذر یکیز برای پس ماندگان مفید است آن است که دنیا را
چندان معتبر ندارند اکثر کسان دطفلی و اکثر در جوانی می میرند و بعضی به پیری میرسند
تمام عمرشان هم در آنک فرصت شش باد صبا می رود و نمیدانند که کجا رفت معالیه آخرت که
تقطیع پذیر نیست بر سر میاید حق تعالی میفرماید اِنَّ السَّمَاءَ اَنْفَطَرَتْ هَ اِلَى اقْوَالِ عِلْمٍ
نَفْسٌ مَّا قَالَتْ مَتَّ اَخْرَجْ اِیَّیْ بِاَشَدَّ لَذَّتْ قَلِیلٌ که آنهم بی رنج کشی میسر نشود لذات
قوی دلی را بر باد دهد و با نام ابدی گرفتار شود و نعوذ بالله منهنها پس چنانکه مصلحت دینی
و مصلحت دنیوی با هم متعارض شود مصلحت دینی را مقدم باید داشت کسیکه مصلحت دینی را
مقدم میدارد دنیا هم موافق تقدیر لوی میرسد و حل فرمود علی السلام مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ
هَ اَوَّلَ شَأْنٍ اَخْرَجَتْهُ لَعْنَةُ اللَّهِ هَ اَوَّلَ شَأْنٍ اَعْنِیْ کَیْفَ تَقَاصِدُ خُودَ دَرِکَ مَقْصُودِ مَقْصُودِ
آخرت منظور او کفایت کند الله تعالی مقصود دنیای او را و کسیکه مصلحت دنیا را مقدم دارد گناه شده
که دنیا هم از دست چنانچه پیشتر درین زمانه همچنین است پس خیر الدنیا و الاخرة شود

و اگر دنیا دست دهد و از آنک فرصت زوال نپذیرد باز خسران ابدی لاحق شود و فقیر
 به چشم خود هزار بار در صومرا دیده که بدولت رسیدند باز از آنها اثری نمانده فقیر و پادشاه فقیر
 پدر فقیر و چند فقیر بخدمت قضا مبتلا شدند هر چند آنچه بسیار حق این خدمت از ما دانسته
 خصوصاً از این فقیر و فقیری که بیشتر عمر در زمانه فاسدتر یافته از نجابت نادم و مستغرق در بازیچه
 الله و قوت طمع ازین خدمت نگرفته ام و از اکثر اینهای روزگار نوعی بچوبی کرده ام
 الله علی ذلک از نجابت از فضل الهی امید مغفرت دارم مقصود اصلی و نیست فقیر همین
 ایام بکرت همین عمل جاهل مسلمانان بلکه بنده هم هر سیکه ملاقات کرده مغرور داشته و غنیمت
 شمرده و گرنه علی بهتر از من موجود اند کسی نمی پرسد و از باطل کسی دیگران را چه خبر است
 این دلیل است بر آنکه اگر مصلحت دینی را بر دنیا مقدم داشته شود و دنیا هم از وی
 روگردان نکند و عیب میزدان مرا و مستحق پس از فرزندان من سیکه خدمت
 قضا اختیار کند طمع و خاطر داری تاحق را داخل نپذیرد و بر وایت سبقت منشی به عمل نمایند
 و از جمله تقدیم مصلحت دینی بر مصلحت دنیوی آنست که در مناسکبت و نیکو است و در
 منظور و در چون درین زمانه درین شهر ندب روافض بسیار شیوع یافته است
 و شرفا بیشتر بر علونب یارفا همیشه نظر میدارند اول رعایت دین باید کرد و ختم
 یکسری رافضی یا ستم بر نفس اگر چه صاحب دولت و عالی نسب باشد نباید داد
 روز قیامت سوای دین و تقوی هیچ بکار نخواهد آمد و نسب را نخواهند پسید
 ع که درین راه فلان این فلان چیزی نیست و دولت اعتبار ندارد و که
 مشتق از تداول است **الْمَالُ عَاذٌ وَ النَّاسُ بَايِعٌ** و دیگر باید دانست که اکمل الکملین
 از نوع بشر بلکه از ملائکه هم شید المسلمین محمد صلی الله علیه و سلم هر کس هر قدر
 بان سرور مشابست بهم رساند در باطن و ظاهر و صفات جبلی و نبوی و علم و اعتقاد
 و عمل و عادات و عبادات آن کس را همان قدر کامل باید دانست و هر کس
 در مشابست در چیزی از آن قاصرست همان قدر وی را ناقص باید دانست
 و لهذا بحسب کمال اتباع سنت سنیه که اولیای حق نقشبندیه اختیار کرده اند گوی

سید
 ایام
 بکرت
 همین
 عمل
 جاهل
 مسلمانان

بلکه
 بنده
 هم
 هر
 سیکه
 ملاقات
 کرده
 مغرور
 داشته
 و غنیمت

شمرده
 و گرنه
 علی
 بهتر
 از
 من
 موجود
 اند
 کسی
 نمی
 پرسد

و از
 باطل
 کسی
 دیگران
 را
 چه
 خبر
 است
 این
 دلیل
 است
 بر
 آنکه

اگر
 مصلحت
 دینی
 را
 بر
 دنیا
 مقدم
 داشته
 شود
 و دنیا
 هم
 از
 وی
 روگردان
 نکند

و عیب
 میزدان
 مرا
 و مستحق
 پس
 از
 فرزندان
 من

در دنیا و جهنم و عجبی شمر برکات است علم عبارت است از دانستن شش و پنج عقائد
و اخلاق و احوال و اعمال که علم عقائد و علم اخلاق و علم فقه متکفل آنست و این علم
بدون دریا فتن اوله از قرآن و حدیث و تفسیر و شرح احادیث و اصول فقه و
دریا فتن اقوال صحابه و تابعین خصوصاً ائمه الیوم و محمد الشهد و لغت و صرف و نحو
صورت نمی بندد و در اکثر فتاوی بعضی روایات بجه اصل نوشته اند و در یافت
حال صحیح و تقیم مسائل بدون اینهمه علوم نمی شود و درین علوم سعی باید کرد و خواندن
حکمت فلاسفه لایق محض است کمال دران مثل کمال مطربان است در علم
موسیقی که موسیقی بهر فن است از فنون حکمت ریاضی مگر منطق که خادم هر علوم است
خواندن آن البته مفید است

خلاصه حال حضرت مصنف علیہ الرحمۃ

جناب مستطاب حضرت مولانا قاضی محمد شاد الله صاحب از اولاد
حضرت شیخ جلال الدین کبیر الاولیا پانی پتی قدس سره اند
زاده علمای پرهیزگار و عمده الفتای روزگار بودند بعد از وفات سالی حفظ قرآن
شریف نموده تا زمان شانزده سالگی از تحصیل علوم فرائع یافتند و در ایام
تحصیل سی صد و پنجاه کتاب سواهی کتب تحصیلیه بمطالعه خود و آردند نخستین
بیعت بخدمت حضرت شاه محمد عابد صاحب سامی قدس سره نمودند بعد وفات
حضرت مدد و روح بخدمت جناب میرزا امیر جان جانان شهید قدس سره الحید کسب
کلمات کردند و بر زبان حضرت ایشان بقلب علم الهی سرفراز گشتند و
حضرت جناب مولانا شاه محمد عبدالعزیز قدس سره بلبق بیعتی وقت یاد میفرمود
مده العمر در افاضه فیض ظاهر و باطن و اشاعت علوم و فصل خصوصیات و
افتای سواست و محل معضلات مصروف می بودند و در علم تفسیر و فقه و کلام

و تقصیرت بدین طریقی میسر شد چنانچه کتب و رسائل درین علوم تصنیف فرموده و
مکاتیب بسیار در جواب اسوالمشکل تحریر نموده اند تقیته منظری کتابی است پس
ضمیمه در معرفت مجله کلان و تسبیح السلول و ارشاد الطالبین و رساله الایدیه
و تذکره الموتی و القبور و تذکره المعاد و تفریق الاسلام که بحقیقه الاسلام شهرت
یافته و رساله در حرمت و اباحت سرود و رساله در حرمت تنه و رساله شهاب ثاقب
و دیگر کتب و رسائل که از تنی عدد و متجاوز خواهد بود از تصانیف حضرت ایشان
و قات حضرت قاضی صاحب غره ماه رب سال کبیر از دو صد و بیست و پنج
هجری است چنانچه جناب مولوی محمد الشهد صاحب موصوف و زیانچ رحلت شریف
فهم مکره مومن فی جنت النبیین یافته اند

خاتمه

الحمد لله المفضل المنعم والصلوة والسلام علی سید الانام محمد و آله العظام
و اصحاب الکرام الی یوم القیام اما بعد رساله منقحه الایدیه که بر حدیث
ضروری اسلامیه و مسائل فقهیه و احکام اخلاق و طریقت شامل است و بر مسائل
مستنده و مستنده مفتی بهما مشتمل تصنیف الطیف عالم باعمل فاضل اجل حقائق آگاه
جناب مولانا قاضی محمد شهاب الشهد صاحب پانی تی رحمة الله العلی خیر و تبه
علیه طبع پوشیده و تحملی تجسید مولانا علامه و مفتی فاضل مفتی محمد سعید الشهد صاحب
میرور و محفوظ گردیده و در نوبت هجری یکری و مغلطی جناب محمد عبد الرحمن خان
صاحب مالک مطبع نظامی نقل نسخ مذکوره از اصل نسخه و مغلطی منصف مرعوم
بر داشته و برای انتخاب حواشی او جناب معارف آگاه مولوی حافظ محمد الشهد
پانی تی و فضائل شمار مولوی حافظ حاجی محمد عبد الغفار لکهنوی و بر است
نظر ثانی فاضل کرامی مولوی حافظ سید محمد عبد الشهد لکرامی و فاضل اوحده

جناب مفتی
محمد عثمانی احمد
تکلیف داده چنانچه

باضافہ اکثر حواشی ضروریہ و محبوبہ غنیہ
ضروریہ مزین شدہ مع تہتمہ ترجمہ کلیات کفر
و وصیت نامہ از افادات قاضی صاحب مدوح
بمطبع نظامی خود مطبع فرمودہ از چندین رسالہ ہذا
کیاب بلکہ نایاب و طلبہ ت بلاش او چہ اضطراب ہذا
نیاز آگین عاجز و کترین احمد علی بنظر افادہ خاصہ
عام اہل اسلام نقاش بعد تصحیح تام و نہایت مالا کلام در
مطبع محمدی کمان پور حسب فرمایش عالیجناب
الحاج المولوی محمد سعید صاحب تاجرت کتب کلاکت
خلاصی نوئمہ و مالک مطابع نجدی و زانی بہاہ محرم
۱۳۲۶ ہجری بحلیہ مطبع آر استہ و بزبور

حسن کتابت پراسستہ نمودہ بدینہ
معلین و متعلین کرد اینہ فقط

راقم کترین ازلی محمد علی
مستتم مطبع محمدی کانپور

تکملہ رسالہ مالائیکہ میں در بیان حکام ختم نبیہ و وجوب آن

باید دانست که قربانی واجب است بر هر مسلمانی آزاد مرد باشد یا زن مقیم مسافر
باشد یا بادیه یا قریه بشرطیکه مالک نصاب باشد و زعمید قربان موجب آن
وقت است و اگر کین آن فرج جانوری که چار یا بیه باشد و حکم آن خروج از عهده واجب است
در دنیا و حصول ثواب است و عقیلی فرزند آنحضرت صلی الله علیه و سلم شخصی را که حاصل
شود توانائی و نذر قربانی پس نزد یک نشود و مصلای ما را مستلزم واجب نیست قربانی
بر غلام و کنیز و کافر و کافره و فقیر و مسافر و نیز بر جامعی سافر سوای اهل بکره و بقولی بر
تجیرم مخیم نیست اگر چه از اهل که باشد مسئله قربانی واجب است از ذات خود نه از
اطفال صغار بر وایت امام محمد از امام ابی حنیفه و بر وایت حسن واجب است مثل
صدقه فطر مسئله اگر صغیر مالدار باشد قربانی کند پدر او از مال او و بعلم او جدا و یا وصی
او و علیه الفتوی و نذر و شافعی و زفره جائز نیست از مال او بلکه پدر از مال خود نماید و در کانی
مواهب الرحمن فتوی برین قول است مسئله یک گوسفند برای یک نفر و یک گاو و یک شتر
برای هفت نفر و کمتر از آن کافی است و برای زیاده از آن جائز نه مسئله جائز نیست قربان
مگر از چهار چیز گوسفند و بز گاو و شتر و آگاو و میش از جنس گاو است و جانوریکه از وحشی
و اهلی پیدا شود و مانع ما و خود است و شتر است که گاو و جاموش کم از دو سال نباشد و شتر
کم از پنج سال نباشد و از گوسفند و بز و آگاو و میش و اهلی متولد بود و اهلی نیست که از

پیش از این

1

غرض از این است که از این
 و کلامی که در این کتاب
 غرض از این است که از این
 و کلامی که در این کتاب

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کسان کم باشد و جایز نیست شهادت دهد و نه که شریعت با او مقیم کرده باشد و نه در عرفانی است
باشد باشد و با این شرط است که در قدر و قامت چنان باشد که اگر با کسی از اختلاف است و تفرقه
کس نباشد و جایز نیست قربانی گوشتیم و یک ششم و لنگ که تا هیچ نمیتوان رفت
و گوشت بریده و دوم بریده و بی و دم و بی گوشت و چنانچه که گاه خور و دوا شتی و غلشی و لاغر بعضی
و اکثر گوشت یا دوم بریده و اکثر نو ششم زائل شده و آنکه دندان ندارد و ازین سبب نمیتوان خورد
و آنکه دستپاشش قطع یا خشک شده یا بخال فوت باستعمال او و شیر او منقطع کرده باشد
و آنکه سواهی یا پالی چیزی و نیز خور و مساله قربانی نفس و شاخ شکسته و آنکه بغیر شاخ است
و چنانچه که گاه خور و دوا شتی فریه و آنکه دندان ندارد و بعضی مگر گاه میتواند خورد و آنکه اکثر
و دندانش باقیست و آنکه گوشت یا دوم او باقی و آنکه ساق ندارد و الارضن میتواند و آنکه غلشی گوشت
خورد و جایز نیست تعلیه و زلفه را اکثر از امام اعظم روایات مختلف است در روایت جلد
سینه ثلث اقل است و زیاده از آن اکثر و بعضی کتب تاریخ و نزد صاحبین اگر زیاده
از نصف باقی باشد اکثر است و همین است مختار فقیه ابو الیث و مساله اگر خرید کند غنی و فقیر
را صحیح و بعدش عیب پیدا کند پس واجب است و بگوید فقیر را جایز است اول مساله اگر عصب
اصدی کم از عصبی باشد از هیچکس قربانی جایز نیست مساله اگر دو کس یک گاو یا میش
خریده قربانی کنند جایز است بر و آیت صحیح و قیسم نماید گوشت را بوزن یا به تخمین مگر آنکه
با گوشت چیزی از کله و پا نیچه پوست باشد مساله اگر گاوی را برای قربانی مردوم و دو خانه
که مالیده اند و از هفت زیاده نباشد خریده و بیج سازند جایز است نزد امام مالک از اهل
کعبه جایز است گوزیاده از هفت باشد و از اهل دو خانه جایز نیست اگر چه کمتر از آن
باشد مساله اگر خریدند دو کس شتری را و یکی از آن صرف طالب گوشت است پس قربانی
آن جایز نیست مساله اگر خریدند گاوی را بنا بر ضحیه و بعدش شش کس و بگوید
شریک ساخت مگر ده است مساله اگر از جمله شتر کایک کس نصرانی باشد پس از جمله قربانی
جایز باشد مساله اگر نهی میبرد واجب است و بگوید و اگر کم شود یا بد زوی و دو
پس از خرید دیگر یافته شود و را بایم انجمن پس فنی مختار است هر یکی را که خواهد بیج سازد و ضمیر

مساله اگر عصب
اصدی کم از عصبی
باشد از هیچکس
قربانی جایز نیست
مساله اگر دو کس
یک گاو یا میش
خریده قربانی
کنند جایز است
بر و آیت صحیح
و قیسم نماید
گوشت را بوزن
یا به تخمین
مگر آنکه
با گوشت چیزی
از کله و پا
نیچه پوست
باشد
مساله اگر گاوی
را برای قربانی
مردوم و دو خانه
که مالیده اند
و از هفت زیاده
نباشد خریده
و بیج سازند
جایز است
نزد امام مالک
از اهل کعبه
جایز است
گوزیاده از هفت
باشد
و از اهل دو خانه
جایز نیست
اگر چه کمتر از آن
باشد
مساله اگر خریدند
دو کس شتری را
و یکی از آن صرف
طالب گوشت است
پس قربانی آن
جایز نیست
مساله اگر خریدند
گاوی را بنا بر
ضحیه و بعدش
شش کس و بگوید
شریک ساخت
مگر ده است
مساله اگر از
جمله شتر کایک
کس نصرانی
باشد پس از
جمله قربانی
جایز باشد
مساله اگر نهی
میبرد واجب
است و بگوید
و اگر کم شود
یا بد زوی و دو
پس از خرید
دیگر یافته
شود و را بایم
انجمن پس فنی
مختار است
هر یکی را که
خواهد بیج
سازد و ضمیر

هر روز اربع نماز مسأله اگر انجیمه وقت فوج عیب دار شده که رحمت و بغور گرفتار شد پس قربانی
آن جائزست نزد ابی حنیفه و نزد امام محمد اگر چه درنگ بهم گرفتار گردد و جائزست و اگر غلطانیده
شد که مفقودی بنا بر فوج و مضطرب کرد تا اینکه یا پیش شکست پس قربانی آن جائزست
مسأله اگر شتر کا خرید کرد و در هفت کس گاوی از آن جمله چهار کس نیست قربانی و تسکس بقتضای
تطوع پس جائزست اتفاقاً مسأله اول وقت فوج برای شهریان بعد نماز عیدست و اگر
اهل قریه طلوع فجر بوم عید دو وقت آخر قبل غروب آفتاب روز سوّم است و نزد شافعی تا سیزدهم
نیز جائزست پس اهل شهر را لایب قبل نماز امام قربانی جائزست و اهل قریه را جائزست
اگر خرید نمودند هفت کس گاوی را بنا بر قربانی و ببرد یکی از آنها قبل قربانی و دو از آنها
اجازت دادند جائزست و الا لا در ابی یوسف بروایتی جائزست و اگر از طرف خود دها و از
سیت و اسم ولدان فوج سازند جائزست تحلیله بر فقر و غنا و ولادت و موت آخر وقت
معتبرست پس اگر شخصی اول وقت فقیر بود و آخر وقت غنی شد بر او انجیمه واجب نیست و اگر
آخر وقت فقیر شد و اول وقت غنی بود و پس او اتهمند واجب نیست و اگر پیدا شد آخر وقت
واجبست و چون بمیرد واجبست مسأله اگر کسی فوج کرد و انجیمه و بعد از آن ظاهر شد که امام
نماز عید بلا طهارت خوانده است اعاده نماز لازمست نه قربانی مسأله اگر قبل خطبه بعد
نماز فوج گفتند جائزست الا ترک افضل لازم آید مسأله اگر روز عید بوسی نماز عید خوانده
نشود پس شهریان را بر روز دوم و سه قبل از نماز جمیع فوج قربانی جائزست مسأله اگر امام
در روز عید تاخیر نماید پس سر او است که تا وقت زوال و در فوج هم تاخیر نماید مسأله اگر در شهر کسی
بسبب فقره و نبودن مالی نماز عید نشود پس جائزست انجیمه بعد طلوع فجر و علی الفتنی مسأله
اگر نماز در عید گاه نشده باشد و اهل مسجد فراموش کرده باشند یا بالعکس قربانی روا بود و قربانی
کننده در نماز شریک شده باشد یا نه مسأله اگر گواهی داده شود پیش امام سیلالم عید
مطابق آن نماز خوانده شود و مرد بان قربانی ننماید بعد از آن ظاهر شود که بوم عرفه بود پس
اعاده نماز و انجیمه لازم نیست چنانچه معتبر در قربانی مکان اوست نه مکان شخصی پس قربانی
وروی باشد و قربانی گفته در عصر فوج آن وقت صبح جائزست و بالعکس آن جائزست

اگر شهری خواهد که پیش از نماز صبح ذبح سازد پس حلال است که گوشتند قربانی را بر سر و تن
فرستد تا بعد طلوع فجر ذبح کرده شود و این صیحه است مسئله و فصل است و نه از پیش و ماده
از بر ز اگر در قیمت و گوشت برابر باشند و گوشتند از حصه سبع گاو و در صورتیکه مساوی باشند
در قیمت بالاتفاق و نیز بعضی ماده شتر و ماده گاو نیز فصل است از بر آن مسئله قربانی
کردن بر ز اول فصل است و مکروه است و شهادت جاری نیست و در شب بخورد آن شب و اگر
در آن شب همیشه تابع روز گذشته میباشد اتفاقاً اگر شک واقع شود در دویم ضمیمه پس مستحب است
که تا دویم سوم تأخیر و قربانی ننمایند و قربانی کردن درین ایام فصل است از آنکه فزونی کنند
از این ایام و تصدق نمایند برای آن بعد الانقضاء مسئله اگر قربانی نکند شخصی حتی که بگذرد
ایام آن پس اگر واجب کرده است بر خود و معین کرده است گوشتند معین است الا اگر واجب
است که تصدق نماید زنده و اگر فقیر خرید نماید گوشتند نیاز قربانی نکند و وقت آن بگذرد
پس همین است حکم نزد علمای ائمه علیهم السلام اگر غنی خرید کرده است گوشتند و ایام ضمیمه بگذرد
پس واجب است که تصدق کند بهای آن اگر مسئله کسی فوج کرد ضمیمه از نیت بلا اجازت
او پس ثواب برای مست است و ضمیمه از ضمیمه تنگی واجب نیست و دو ضمیمه بجز نیت مگر آنکه
تذکره نماید یا نیت ضمیمه خرید نماید آن را غنی بالاتفاق روایات اما فقیر پس البته درین
مخلاف است مختار این است که اگر خرید نماید به نیت قربانی در ایام آن واجب می شود
قربانی کردن آن اگر چه از زبان جنسی اقرار کرده باشد و علیه الفتوی و اگر نیت مختار
باشد و نباشد پس واجب نیست بالاتفاق مسئله اگر کسی قربانی کرد باذن مست پس واقع
میشود و جایز نبود و تناول گوشت آن اگر بلا اذن کرده است جایز مسئله اگر چهار روز
و عاشر با لا شتر آن قربانی نمایند جایز است مسئله اگر کسی گوشتند خود را از غیر ابرار
بنیت ضمیمه فوج نماید کفایت نکند از غیر مسئله فصل است که ضمیمه خود را خود فوج نماید اگر
واقعیت باشد از طریق فوج و الا استعانت جوید از دیگر و خود حاضر باشد بر مکان فوج
مسئله مکروه است فوج نصرانی و یهودی و حرام است و ضمیمه موسی و تبت پرست مرتد
مستحق از آن فوج نیست که صاحب توحید باشد اعتقاد و همچو اهل اسلام و ارباب از

و عموماً مثل اهل کتاب باشد و واقع باشد تسبیح و ذبیح یعنی بداند که تسبیح حلال نشود و قمار
باشد بر بیدن زکامارد باشد یا زن صبی باشد یا مجنون اقله باشد یا مخمور و هر یک که
نمی دانند تسبیح و ذبیح را پس ذبیح او حلال نیست و اهل کتاب وقتی باشد یا حربی اگر نام خدا
وقت فوج گسرد و نام حضرت عزیر و عیسی علیهما السلام بر زبان بیاورد و جائز است ذبیح وی
والا لامست اگر قبل غلظت اندین انجیه یا بعد فوج بگوید اللهم تقبل من فلان جائز است اما
در حالت فوج بگوید دست زبانه شرط فوج نیست که صورت تسبیح گوید خالی از معنی و عاصی که اگر
بگوید وقت فوج اللهم اغفر لی حلال نشود و اگر عطسه کند و گوید الحمد لله و الله تسبیح صحیح نیست
بروایت صحیح و اگر سجایای بسم الله الحمد لله و سبحان الله گوید و الله تسبیح صحیح است و انجیه
که میگوید بسم الله و الله اکثر من قول است از ابن عباس تسبیح موضع فوج میان حلق و لب است
و فوج عبارتست از بیدن زکام که در جانب بالایی گلو و زیر تنگ اسفل است و گمانی که بیدن
آن نه است چهار اند اول حلقوم دوم مری که بفارسی آنرا سرج روده میگویند و سوم و چهارم
هر دو شش رگ و این ثابت است بحديث و نزد شافعی اگر حلقوم و مری با یکدیگر بریده شد حلال است
والا لا و نزد امام ابی حنیفه اکثر شش رگ ازین چهار هر کدام که بریده شد حلال است و نزد امام
محمد اکثر شش رگ بریده خود و تخم عبارتست از بیدن زکام که پائین گلو و نزد یک سینه شش
واقع است و فوج در گاو و گوسفند مستحب است و تخم در شتر و گاو و گوسفند است و تخم دران هر دو فوج و شتر
مستحب اگر قصد تسبیح و فوج ترک کند ذبیح حرام است و اگر سهواً ترک شود حلال است آنرا
امام شافعی در هر دو صورت حلال است و نزد امام مالک در هر دو صورت حرام و مسلمانی
و اهل کتاب در ترک تسبیح برابرند مستحب اگر دو کس غلطی کنند یا یکی غلطی و دیگری فوج
نماید جائز است و او پیش از بیدن و بچکستن تاوان لازم نیاید بلکه خواهد گرفت هر کس ضعیف خود را
نزد علی ای مایه الله علیه مستحب اگر بعد فوج یکی گوشت قربانی دیگر را بخورد و بعدش وضوء کند
پس لا اثم است که حلال گرداند یکی مرد دیگری را و اگر نزاع و خصومت نماید پس تاوان قیمت گوشت
بیکتر تصدق نمایند همین حکم است اگر تلف کند گوشت قربانی دیگر یا مستحب اگر کسی ضعیف خود را
با عانت دیگر فوج نماید پس واجب است تسبیح بر معین و واجب و اگر یکی از آن بهم ترک نماید حرام گردد

کذا فی الدر المنثور وخرائنه افیتین مسئله اگر کسی امر کند دیگری را برای فحش و او فحش کند و
 طایفه نماید که من تسمیه عمد اترک کرده ام پس مرتبت انجیبه بر ما مور لازم آید اگر ایام نحر باقی
 باشد و دیگر خرید و فحش کند و تصدق نماید و هیچ از گوشت آن نخورد و اگر ایام نحر باقی نباشد
 قیمتش تصدق بر فقر نماید مسئله اگر بچه را سید انجیبه قبل فحش پس فحش کرده شود و نزد بعضی
 بلا فحش تصدق کرده شود دیگر ده است فحش شاة عامله که قربا لولاده است و اگر جنبین مرده
 یافته شود و در سیم انجیبه پس حلال نیست موداشته باشد یا نه نزد امام ابی حنیفه و نزد صاحبین
 و شافعی اگر تمام شده باشد خلقت آن حلال است مسئله اگر غضب کند کسی گو سفندی را و
 قربانی نماید از نفس خود و جانزست و ضمان قیمتش لازم و همین است حکم مرده و شیر که و اگر
 امانت سپرد کسی گو سفندی را پس فحش کند آنرا امانت دار کا فی نیست همین است حکم عاریت مسئله اگر بچه
 خرید کرد گو سفندی از عرو و فحش کرد آنرا بعد از آن استحقاق طایفه بیکس اگر بکار اجازت بیج آن بدیده جان
 شده و الا مسئله اگر خرید نمود و در سیم شکش نیکی از آن قیمت ده دوم و دوم قیمت نیست و دوم قیمت
 سیم و دوم بعد از آن حیوان اختلاف واقع شد که کسی از آنها انجیبه خود را شناختن نمیتواند مانند با هم بخورند و بیک
 یک گو سفند قربانی کرد و در سیم است این قربانی و لازم است که مالک سیم دوم قیمت نه دم و مالک نیست
 و دم بدو و دم تصدق نماید و مالک ده و دم هیچ تصدق نماید و اگر اجازت داد و یکی از آنها
 به صاحب خود پس کفایت کند و هیچ لازم نه مسئله اگر فحش کند کسی بناخن و دندان و شاخ
 که از مواضع خود دبا برکنده باشد مکرده است الا خوردن آن مضائق ندارد و در شافعی نه
 حرام است و بناخن غیر متروک حرام است بالاتفاق زیرا که حکم مختلف دارد و مسئله اگر بچه
 فحش به پوست فی و سنگ تیز و هر چیز که تیز باشد و بر در گما و جاری کند خون مسئله
 مستحب است که دواج اولان تیز کند کار در او مکرده است که اول بغلطاند گو سفند را و
 بعد از آن تیز نماید کار و خود را و مکرده است جدا کردن سر و رسانیدن کار و تا حرام مغزو
 مکرده است آنکه بگوید و پای گو سفند را و بکشد آنرا تا موضع فحش و آنکه بشکند گردن و بگوید ا
 یا بکشد پوست آنرا پیش از آنکه از منظر آب ساکن شود و مکرده است فحش از قهقهه یا بگوید
 گو سفند پیش از بریدن زنگار حرام است تعلیمه کلیه این آنست که هر چیز که در آن الم و

تغذیه است و بآن حاجت نیست ز باب نجس کرده است مسئله هر جانور یک یا نفوس است از انسان در دم
نیکند پس طریق قبیح آن بریدن رگهای مذکور است و هر جانور که وحشت دارد از انسان در دم و اگر نیکند
پس طریق قبیح آن نیست کبلی زند از او زخمی کند و در دست از امام محمد که اگر گوشت در دم کند بهتر است
و قبیح طاری آن جائز است و اگر در میان شهر پس جائز نیست و قبیح طاری و در گاؤ و شتر و
و شهر و در بر است مسئله کرده است بگوشت دادن بر شتر قربانی و اجاره دادن آن و و شیرین
شیر آن و بریدن ششم آن ببار انقاع مسئله جائز است صاحب قربانی را که بخورد گوشت و و خیر
کند یا بخورد هر کسی را که خواهد غنی باشد یا فقیر و مستحب است که صدقه از ثلث کم کند و اگر صاحب
عیال باشد مسئله جائز است که تصدق کند پوست قربانی را یا جراب غریب و مشک و غیره
چیزیکه کار خانه داری و در آید بپار ساز و یا تبدیل کند بچیزیکه زیادت آن بلا استهلاك آن انقاع
ممکن باشد مثل پارچه و موزه و غیره نه سرکه و آرد و مصالح گوشت و غیره که از اشیای مستهلك است
و اینست حکم گوشت انجیم مسئله جائز نیست فروختن گوشت و پوست انجیم یا هم و دنانیر زیرا که
این گونه تصرف بقصد تمول میباشد و آن در مال وقت جائز نیست مسئله اگر قربانی کرده شود
از مال صبی پس بخورد از آن صغیر و و خیره کرده شود گوشت بقدر حاجت او و از باقی پارچه و موزه
و غیره تبدیل کرده شود و یا اشیای مستهلكه همچو آرد و سرکه و شیرینی مسئله اگر بفروشد کسی گوشت
یا پوست انجیم یا بپار هم یا تبدیل کند از سرکه و غیره پس واجب است که تصدق کند قیمت آن مسئله
جائز نیست که چیزی از انجیم یا جرات تصاب داده شود و چنانچه در عوام رایج است که پوست
قربانی را بقصاب عوض اجرت او میدهند مست یا محض چون مسائل انجیم از جمله مالا یجوزها
بود و چنانچه منی ثناء الله صاحب قدس سره معلوم نمیشود که بکدام سبب در رساله مالا یجوزها
بیان نفرمودند و فقیر حسن بن حسین بن محمد العلوی الحنفی که از کلام مولانا محمد حسن علی
پاشمی است در ماه محرم الحرام ۱۲۹۹ هجری بجزر کلمه نوشته شامل رساله مالا یجوزهاست و خود

اللهم اغفر لمؤلفه و لقاریه و ملحق علیک و لمن نظف فی اسم سلمان لا اله الا الله و صلوات
لا تنقطع له و اشهد ان محمدا عبدا و رسولا علی الله علیه و آله و اوصحابه و اولاده اجمعین

رساله احکام عقیقه

بسم الله الرحمن الرحيم

حمداً وصلى الله عليه وآله وسلم
 حمداً واجباً نزد امام عظیم مستحب و قول به بیعت بپوشش اقرار است بر امام که انی لعبد
 الدقیقه و در صحیح بخاری از سلمان شیبی مرویست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم باطل
 عقیقه است پس برزید از جانب او خون (یعنی فوج جانور کنید) و دفع کنید از او اندیشه
 را (یعنی موی سرش را تراشید) و از انس بن مالک روایت است که آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم بعد نبوت عقیقه نمود و در ابو داود و ترمذی و نسائی از عمر بن خطاب مرویست که
 پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمود هر طفل مرهون است بعقیقه فوج کرده شود از جانب دبر و بر
 میفتد و نام نهاده شود و سرش تراشیده شود و فرمود امام احمد که معنی مرهون آنست که چون عقیقه
 طفل نگردد شود شفاعت و الدین خود بخوابد که دبر و زقیامت چنانکه شی مرهون نفس مالک
 خود نیست مسئله بر هر کسی نفقه مولود واجب باشد او را عقیقه او هم از مال خود باید کرد و اگر
 مال مولود در ضامن خواهد شد و اگر پدرش محتاج باشد و درش عقیقه نماید اگر میر بود مسئله
 در ابو داود و الزام کرده و روایت است که فرمود رسول مقبول صلی الله علیه و سلم که از جانب پسر و
 گو سفند فوج کرده شود و از جانب دختر یک گو سفند فوج مضاعف نیست که گو سفند نه باشد یا
 ماده کند اختراک شعلی و شافعی همین است که از پسر و دبر فوج کرده شود و از بعضی یک است
 چرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم و عقیقه امام حسن علیه السلام یک گو سفند فوج نموده و فرمود
 فاطمه سر او تراشید و برابر وزن مویش سیم تصدق کن پس وزن مویش یک درم بود یا بعض

دوم رواه الترمذی و در حقیقه قبح گویند یا پیش یا پس یک ساله کامل زاده مبارک است
 و در گاو و شتر شرکت تا هفت کس جایز است بشرطیکه نیت همه شرکا قربت باشد مسئله
 در شرح مقدّمه امام عبداللّه و غیره در قوسم و بی کافیه یعنی حکم جانور حقیقه مثل حکم جانور
 قرآنی است فی سببها در عمر او که بزرگم از یک سال و گاو و گوسفند از دو سال و شتر که از پنج سال
 بنوعی جنسها و در غنیمت و مثل شتر و گاو و بز و میش و دنبه و سلاکتها و سلاستی اعضا
 که هیچ عضو از زیاده از ثلث مقطوع نباشد و فی افضالها و در ضیلت او که فریه و میش
 فخر است و الاکلها و در خوردن از او که خوردن گوشت حقیقه همه فقیر و ضعیف و صاحب
 عقیده و والدین او را جایز است مثل گوشت قرآنی و همچنین استخوانش جایز است و
 الاکلها و الاخذار و در هر چه فرستادن اگر چه اغنیا باشد و ذخیره نمودن و امتناع بیعها و در
 منع بیع او و الشکین بالشکین و در مقرر شدن بنیت تعیین و اعتبار بالثبوت و غیر ذلک و در
 اعتبار بنیت غیره مسئله مستحب است که سر جانور حقیقه بحجم و یک ران بقایا یعنی وانی
 جنائی و یک ثلث گوشت ببقیه بدهند و باقی خود بخورند یا باعزه و احباب تقسیم نمایند و بقیه
 و بقیه تصدق نمایند یا بفروختن خود آورند و در زمین دفن نمایند که تصبیح مال است مسئله موسی
 مولود در اشیاءه برابر و زانش زری یا سیم خیرات نمایند و مودناخن او را دفن نمایند و همچنین
 همیشه از حیوان انسان از مودناخن و دندان و غیره جدا شود و آنرا دفن باید کرد و بر سر مولود و غیره
 یا صندل یا مالک مسئله بعد ولادت هفتم روز یا چهاردهم یا بیست و یکم و همچنین حساب یا بعد
 هفت ماه یا هفت سال حقیقه باید کرد و الفرض عایت عدد و هفت بهتر است مسئله وقت قبح
 جانور حقیقه این ما بخواند اللهم هذا عقیقه ابني فلان ده جایز است و کتبها بالکرم
 و عظمها بالکرم و جلدها بالکرم و شحمها بشو و اللهم اجعلها فدا عن ابني من النار بعد
 انی وجهت و سخی للذی قطره السموات و الارض حیفا و ما انا من المشرکین ان
 صلاتی و نسکی و حجاتی و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک ارضی
 و انا من المسلمین ه اللهم منك و لک بخواند بسم الله الله الله الله گفته قبح زاید اگر
 زایع غیر و الاطفال باشد بجای ابنتی نام سپرد و والد او بگوید و اگر حقیقه دختر بود بجای شکر ذکر

شام زونش بگویند **اللَّهُمَّ هَذَا عَقِيْقَةُ بِلَدِي فَلَا تَدْعُهَا كَدَمًا وَلَا لَحْمًا وَلَا عَصَا** تا از بگویند
 مسئله که طفل بداشود تا قن برید غسل داده پارچه سفید پوشانند و از پارچه زر و اتر از نمایند
 و سنون است که بگوش راست و اذان و بگوش چپ قامت مثل اذان آقامت نماز بگویند و ثبوت
 حتی على الصلوة و حتی على الصلاة هر دو جانب رو بگرداند و بعد بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَائِلَتِي**
 و **خَيْرِ بَنِيكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** و بعد از آن خرما یا شکر یا شیرین خاشایه در کلام اولینند و این
 تخنیک گویند و اولی برای تخنیک تدرست پس طبعین قسید و نام نیک مولود مقرر کنند
 و در حدیث است که بهترین اسم آنست که بر عبودیت دلالت کند مثل عبد الله و عبد الرحمن و
 عبد الرحیم و غیره یا احمد و غیره یا یا با ساسی انبیا بود مثلاً محمد ابراهیم و محمد اسمعیل و
 و هر دلیست از عبد الله بن عباس که هر کسی را که سپرد آید هشد و نام کی با سم محمد کرد پس
 بتحقیق تا دانی نموی ثواب بکست این نه است و در روایت ابو نعیم است که خدای تعالی
 میفرماید که مرا قسم عزت و جلال خود است که هرگز عذاب نخواهم کرد و هر کسی را که نامش مثل
 نام تو باشد در آتش نمی افتد مثل نام غیر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مثلاً احمد محمد علی احمد بن
 و غیره یا الله اعلم و علمه اتم حرزها البعد العاصی الراجی غفران الله القوی محمد عبد الوفاة
 الکفوی عفا الله الی عنه و عن والده و احسن الیهما و الیه فقط **تمام شد**

خاتمة الطبع

الحمد لله رب العالمین الصلوة والسلام علی سید المرسلین محمد و آله و اصحابه اجمعین الیوم الدین
 اما بعد این مجموعه رسائل فقهیه مشتمل بر مسائل معتدیه ضروریه یعنی مالا بدیهه و ترجمه باب
 کلمات الکفر و وصیت نامه از افادات جناب فیض آیت مولانا قاضی شمس الله
 صاحب پانی پتی رحمه الله العلی و خلاصه حال حضرت مصنف علیه الرحمة و رساله احکام ضمیمه و
 رساله احکام حقیقه بعد تصحیح تحشیه نام و تنقیح مالا کلام و در طبع محمدی واقع کان پور
 حسب امین جناب حاجی محمد سعید صاحب تاجر کتب کلمه تلاصی ثولہ نبش
 و مالک مطبع رزاقی محمدی محمد اسماعیل علیه طبع پوشیده منظور نظر دیده مشتاقان گوید فقط